

رسالت عا شوراى

ده درس و سخنرانى ویژه مبلغان



حضرت آية الله العظمى العلى محمد طه جعفرى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالت عاشورایی : (ده درس و سخنرانی ویژه مبلغان)

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
رسالت عاشورایی : (ده درس و سخنرانی ویژه مبلغان)	۱۰
مشخصات کتاب	۱۰
فرازی از زیارت عاشورا	۱۰
سخن ناشر	۱۰
رسالت عاشورایی مبلّغان	۱۱
اشاره	۱۱
اهمیت تبلیغ در ماه محرم	۱۱
نکاتی که در مورد تبلیغ باید بدانیم	۱۱
مخاطبان را به این مطالب حیاتی هشدار دهید	۱۱
اقلیم‌های تبلیغی را بشناسید	۱۲
با جوانان ارتباط صمیمی برقرار کنید	۱۳
درس‌های عاشورایی	۱۳
اشاره	۱۳
درس معرفت	۱۳
احادیث	۱۳
شاگردان مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۳
امام حسین علیه‌السلام، چراغ اسلام	۱۴
امام حسین علیه‌السلام، شمع بزم عالمان	۱۵
درس عبادت	۱۶
احادیث	۱۶
امام حسین علیه‌السلام، عابدترین بندگان	۱۶
درس سخاوت	۱۷

احادیث	۱۷
مولای نیازمندان	۱۷
قرضت را ادا می‌کنم	۱۷
درس حُسن معاشرت	۱۷
احادیث	۱۸
عذرپذیری امام حسین علیه‌السلام	۱۸
ادب نسبت به برادر	۱۸
جواب نیکی به بهتر	۱۸
درس عدالت‌خواهی	۱۹
احادیث	۱۹
امام عدالت‌خواه	۱۹
درس زهد	۲۰
احادیث در مذمت دنیا	۲۰
نگاه امام حسین علیه‌السلام به دنیا	۲۰
درس تواضع	۲۱
احادیث	۲۱
از افتادگی تا عزت	۲۱
آثار تواضع بر دوش حضرت	۲۲
درس شجاعت	۲۲
احادیث	۲۲
شجاعت راستین	۲۲
معیار بقای امت‌ها	۲۳
در رزمگاه امام حسین علیه‌السلام	۲۳
درس عزم و اراده	۲۴

۲۴	احادیث
۲۴	عظمت در تصمیم
۲۵	عزم حسینی
۲۵	عظمت در مردانگی
۲۶	درس صبر
۲۶	احادیث
۲۷	مرد صبر
۲۷	صبر در جهاد
۲۸	صبر بر بلا
۲۸	صبر در هنگامه غضب
۳۰	فقه عزاداری
۳۰	اشاره
۳۰	مقاتل معتبر
۳۰	مجلس عزاداری به صورت تئاتر
۳۰	خواندن روضه بی سند
۳۱	خصوصیات مداح
۳۱	مداحی با ریتم موسیقی و غنا
۳۱	صدای زنان نوحه‌خوان
۳۱	تقلید صدای حیوانات در عزاداری
۳۱	برهنه‌شدن هنگام سینه‌زنی
۳۱	پابره‌رفتن در عزاداری
۳۲	گریبان چاک‌زدن
۳۲	هروله
۳۲	پوشیدن لباس مشکی در عزاداری

۳۲	تعزیه خوانی
۳۲	آلات موسیقی در عزاداری
۳۲	نماز ظهر عاشورا
۳۳	دسته‌های عزا و سد معبر
۳۳	استفاده از غَلَم
۳۳	نخل گردانی
۳۳	شمع روشن کردن در شام غریبان
۳۳	تصاویر منسوب به ائمه علیهم‌السلام
۳۳	مصرف هدایا و نذورات در غیر مورد
۳۴	زنجیرهای تیغ‌دار
۳۴	خراشیدن صورت
۳۴	اشعار عاشورایی
۳۴	اشاره
۳۴	سلطان عشق
۳۵	انقلاب محرم
۳۵	خطاب به مردم کوفه
۳۶	روز عاشورا
۳۷	کشته راه خدا
۳۹	مصیبت‌های عاشورایی (از مرحوم حضرت آیت‌الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی رحمه الله)
۳۹	اشاره
۳۹	مصیبت اول
۳۹	مصیبت دوم
۴۰	مصیبت سوم
۴۱	مصیبت چهارم

۴۱	مصیبت پنجم
۴۱	مصیبت ششم
۴۲	مصیبت هفتم
۴۲	مصیبت هشتم
۴۲	مصیبت نهم
۴۳	مصیبت دهم
۴۴	لیست آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله العالی
۴۹	درباره مرکز

رسالت عاشورایی : (ده درس و سخنرانی ویژه مبلغان)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : رسالت عاشورایی : (ده درس و سخنرانی ویژه مبلغان)/ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

مشخصات نشر : قم : مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری : ۹۶ص.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۳۹۴۲۶

فرازی از زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَثَرَ الْمُؤْتُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَازِوِاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ اَيِّدَا مَا بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا، وَعَلَى جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ، عَلَى جَمِيعِ اَهْلِ السَّمَوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَازَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُتَمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكُّينِ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرِئْتُ اِلَى اللَّهِ وَالْيَكُومِ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ وَاولِيَائِهِمْ، يَا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ، اِنِّي سِئِلُكُمْ لِمَنْ سَالَمْتُكُمْ، وَخَرَّبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي اُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَالْجَمْتُ وَتَنَفَّبَتْ لِقِتَالِكَ، يَا بَنِي اُمَّتٍ لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَاسْئَلِ اللَّهَ الَّذِي اَكْرَمَ مَقَامَكَ وَاَكْرَمَنِي بِحُكِّكَ اَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ اِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

رسالت عاشورایی، ص: ۴

سخن ناشر

وسعت و عمق نفوذ حماسه‌ی پایدار عاشورا- که خود نشانگر معجزه‌بودن این حادثه عظیم است-، به تعبیر والای مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی، آن را تبدیل به یک دانشگاه عظیم نموده است:

«به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی، مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی‌ها و ده‌ها هزار نخبه‌ی برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب، افتخار می‌نمایند و همه از برکات این دانشگاه، بهره‌مند و از خوان نعمت گسترده‌ی امام حسین علیه السلام برخوردارند.»

در این دانشگاه بزرگ، باید معارف مکتب حسینی علیه السلام و رسالت‌های عاشورایی تعلیم داده شود و شعار عزت‌مداری سیدالشهداء علیه السلام؛

«یهات منا الذلة»

، تبیین گردد.

از دیرباز تاکنون، طلاب حوزه‌ی مبارکه قم، در فرصت‌های تبلیغی، مثل محرم و صفر، برای تبلیغ این معارف و مطالب حیاتی به شهرها و روستاهای مختلف می‌روند و با استعانت از آثار معتبر و مهمی که پیرامون این واقعه‌ی بزرگ به زیور طبع آراسته شده است، این مکتب را ترویج و تبلیغ می‌نمایند.

«رسالت عاشورایی» که برگرفته از آثار ارزشمند مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی صافی و نیز والد معظمشان می‌باشد در همین راستا، گردآوری شده است، امید است مرضی حضرت بقیه‌الله علیه‌السلام قرار گیرد.

مرکز تنظیم و نشر آثار معظم له

رسالت عاشورایی، ص: ۹

رسالت عاشورایی مبلغان

اشاره

رسالت عاشورایی، ص: ۱۱

اهمیت تبلیغ در ماه محرم

حوزه علمیه‌ی کهنسال قم، در این دوره‌ی جدید که از سال ۱۳۴۰ هـ. ق به همت مرحوم آیت‌الله العظمی حائری قدس سره بازگشایی شد، در کنار برنامه‌های تحصیلی، علمی و تحقیقی و تربیت اساتید بزرگ، علما، آیات، مراجع، مؤلفان، گویندگان، وعاظ و مبلغان لایق، موضوع تبلیغ و نشر معارف دین و آثار و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و آشنا کردن جوامع شهری و روستایی و خلاصه، همه جامعه را با احکام اسلام نیز نصب العین قرار داد، و در این راه، با استفاده از مکتب حسینی و علاقه‌ی باطنی و پاک مردم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام، به خصوص واقعه‌ی جانسوز کربلا- بهره‌ها گرفت و علاوه بر ماه مبارک رمضان و فرصت‌های دیگر در ماه محرم در پرتو بیان مصائب آن حضرت و مقاصد نهضت بی‌نظیر کربلا، این مدرسه‌ی الهی هدایت و ارشاد، در طول بیش از هشتاد سال که از عمر با برکت آن می‌گذرد، خدمات تبلیغی خود را ادامه داده است و در برابر انحرافات، کج‌روی‌ها، کج‌فهمی‌ها، بدعت‌ها و اختناق، مثل اختناق رضاخانی، ایستادگی‌ها نموده و مواضع و مقاومت این حوزه در ابطال باطل و حفظ عقاید جامعه همواره مؤثر و کارساز بوده است.

نکاتی که در مورد تبلیغ باید بدانیم

حقیر، مناسب دیدم بعضی نکات را که شاید از نظر خود آقایان و بسیاری از

رسالت عاشورایی، ص: ۱۲

دیگران پنهان نباشد، تذکراً به عرض برسانم:

مخاطبان را به این مطالب حیاتی هشدار دهید

«اوضاع و احوال چنان پیش آمده است که رویارویی تازه‌ای بین اسلام و کفر را نشان می‌دهد؛ انقلاب اسلامی ایران، احیای تفکر اسلامی، گرایش مسلمانان به استقلال اسلامی و بازگشت به مجد و عظمت دیرین و خلاصه، بیداری و هشیاری فراگیر به خصوص در طبقه‌ی جوان و تحصیل کرده و موارد دیگر، موجب شده که دشمنان اسلام، که تقریباً پس از جنگ جهانی اول بر کشورهای پهناور اسلامی؛ مستقیم یا غیر مستقیم مسلط شده و آنها را با تشکیل حکومت‌های دست‌نشانده زیر نفوذ خود قرار داده بودند، از قطع نفوذ و سلطه خود بیمناک شوند، و از این رو در مقام معارضه و کوبیدن مسلمانان و صدای اسلام‌خواهی برآمده و با تبلیغات گسترده و وسایل گوناگون ظاهری و سرّی، سیاسی و اقتصادی و حتی توسل به نیروی نظامی، با تمام توان عمل می‌کنند.

باید مسلمانان را به استقامت، صبر، پایداری و امیدواری به نصرت خدا و غلبه بر اعداء، تشویق و ترغیب نمود.

غرب‌گرایی و پیروی از عادات و رفتار غربی‌ها و تقلید از آنها حتی در لباس و امور به ظاهر کوچک تا برسد به امور مهم، مانند ترویج اختلاط زن و مرد، عنوان‌ها و شعارهایی، مثل رفع تبعیض از زنان یا به بهانه‌ی آزادی بیان و آزادی مطلق، بعضی احکام شرع را زیر سؤال بردن و ترویج موسیقی، نوازندگی، ملاهی، تشویق فراوان به اصطلاح خودشان از هنرمندان بی‌اعتنا به شرع و تنازل از شعارهای اسلامی، همه حرکت به سوی تغییر هویت اسلامی یا تضعیف آن می‌باشد.

رسالت عاشورایی، ص: ۱۳

باید به مسلمان‌ها هشدار داده شود که به خطرات این گرایش‌های غرب‌مآبانه که متأسفانه گسترده می‌شود، توجه داشته باشند و هویت اسلامی‌شان را از جان خود هم عزیزتر بدانند و در همه جا و در همه مواضع به آن ملتزم و متعهد باشند و به آن افتخار کنند؛ به اسلام، به قرآن، به تشیع، به ولایت ائمه علیهم‌السلام افتخار کنند و تمدن و اخلاق اسلامی را برتر از هر تمدن، اخلاق و مدنیته بدانند. [۱]

راه امام حسین علیه‌السلام، راه قرآن و راه عمل به احکام و راه افتخار به اسلامیت و توحید و ایمان به خداست، راه شرق و غرب و یمین و یسار نیست. راه افتخار به دوران‌های کفر و بت‌پرستی یا آتش‌پرستی و شرک یزدان و اهرمن و استکبار فرعون و نمرود و جمشید نیست. راه امام حسین، راه ترویج فساد و نوازندگی و معاصی و ملاهی و فخر به این برنامه‌ها نیست. راه امام حسین، راه تجمل‌پرستی و اسراف و علوّ و گردن‌کشی و استحقار مردم نیست. اعلام امام حسین و ابلاغش، ابلاغ قرآنی، مساوات زن و مرد در ارزش‌های حقیقی است:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» [۲]

در جامعه‌ای که در راه امام حسین است، این امور، ارزش و افتخار است و

رسالت عاشورایی، ص: ۱۴

زنان با مردان در این ارزش‌ها باید هم‌تراز و بلکه مسابقه داشته باشند و مختلط‌شدن آنها با بیگانگان در مجالس و محافل، در دانشگاه و مدارس، در محل کار و مدیریت‌ها و مشاغلی که در ارتباط مستمر با بیگانگان است، با شأن و پارسائی و تربیت اسلامی زن مسلمان سازگار نیست و غرب‌زدگی حاکی از ضعف هویت و شخصیت است. باید در این ماه محرم و صفر، آقایان فضلا و علما و اساتید و خطبا در سخنرانی‌ها و مواعظ و منبرهائی که دارند مردم را به این مطالب حیاتی توجّه دهند.

اقلیم‌های تبلیغی را بشناسید

بدیهی است در سخنرانی‌ها و مناظر و مطالب، حدیث شریف و پر معنای «حَدَّثُوا النَّاسَ بِمَا يَفْهَمُونَ أَوْ يَعْرِفُونَ وَلَا تَحْدِثُوهُمْ بِمَا لَا يَفْهَمُونَ أَوْ لَا يَعْرِفُونَ»، دستور العمل است و مقتضای بلاغت در کلام و تکلم به مقتضای حال نیز همین است، و برنامه‌ی انبیا علیهم السلام در تبلیغ نیز همین بوده و مناسب این است که در هر منطقه و ناحیه‌ای بررسی فرموده و نقاط ضعف دینی و مذهبی را اگر در آنجا وجود دارد - شناسایی نمایید و به نحو شایسته در سخنرانی‌ها رفع آن نقاط ضعف را در نظر داشته باشید.

با جوانان ارتباط صمیمی برقرار کنید

با جوانان و نوجوانان عزیز به ویژه دانش آموزان و دانشجویان، ارتباط برقرار نمایید و به گرمی از آنها استقبال و پذیرایی کنید و با حوصله به پرسش‌ها و مطالب آنان گوش فرا داده و پاسخ دهید. [۳]

رسالت عاشورایی، ص: ۱۵

درس‌های عاشورایی

اشاره

رسالت عاشورایی، ص: ۱۷

درس معرفت

احادیث

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ.

قال أمير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ أَعْلَمُوا أَنَّ كَيْمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَلَّا وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجِبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَقْسُومٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَضَمِنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ وَالْعِلْمُ مَخْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَقَدْ أُمِرْتُمْ بِطَلَبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ.

قال الصادق عليه السلام: تَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ فَهُوَ أَعْرَابِيٌّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.

قال الصادق عليه السلام: يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِالتَّفَقُّهِ فِي دِينِ اللَّهِ وَ لَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ، لَمْ يُنْظَرْ لَهُ إِلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُزَكَّ لَهُ عَمَلًا.

قال الصادق عليه السلام: قَالَ لَوْدِدْتُ أَنَّ أَصْحَابِي ضَرَبَتْ رُءُوسُهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا. [۴]

رسالت عاشورایی، ص: ۱۸

شاگردان مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله

احادیث معتبر بر این مطلب دلالت دارند که پیغمبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فرزندان را به دانش‌هایی مخصوص گردانید. کتابی به خط علی علیه السلام و املائی پیغمبر صلی الله علیه و آله همواره در این خاندان مورد استناد و مراجعه بوده است، در

حقیقت، تبلیغات و تعلیمات امامان علیهم‌السلام و سیره و روش آنها مکمل و متمم هدف پیغمبر صلی الله علیه و آله در تربیت جامعه و هدایت بشر می‌باشد.

بر اساس حدیث متواتر و مشهور ثقلین، پیغمبر صلی الله علیه و آله جمیع امت را به این بزرگواران ارجاع داده است. با وجود این حدیث شریف، صلاحیت علمی اهل بیت پیغمبر، ظاهر و آشکار می‌گردد.

علامه بر اینها روایات بسیار دیگری از طرق اهل سنت دلالت دارند بر آن که در بین تربیت‌شدگان مکتب نبوت، علی علیه‌السلام بیشتر از همه صحابه، از تابش انوار نبوت استفاده کرد؛ او بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مرجع عموم در مسائل مشکل علمی می‌باشد و علوم شرعیه همه به آن سرور منتهی می‌شود.

بعد از علی علیه‌السلام، منصب الهی امامت و رهبری علمی و دینی با فرزندان حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین، سیدالشهداء علیهما‌السلام بود.

آنها ملجأ و پناه مردم در مسائل اسلامی، علوم تفسیر و احکام شرعی بودند؛ سخنشان قاطع و مقبول، و روششان سرمشق و میزان بود. رسالت عاشورایی، ص: ۱۹

امام حسین علیه‌السلام، چراغ اسلام

هر چه بیشتر در حالات سیدالشهداء علیه‌السلام دقیق شویم این رمز بر ما آشکارتر می‌شود که در امر دین، بصیرتی خارق‌العاده و بینشی غیبی، راهنمای آن حضرت بوده است.

علم و دانش آن بزرگوار از احتجاجات او با دشمنان اهل بیت، بخصوص معاویه و مروان، از نامه‌هایی که به معاویه مرقوم فرموده، از خطبه‌هایی که به مناسبت‌های مختلف انشاء نموده‌اند و از دعای عرفه، و دعا‌های دیگری که از آن حضرت در کتاب‌های شیعه و سنی نقل است، ظاهر و آشکار می‌گردد.

نافع بن ازرق، رهبر فرقه ازرقه خوارج به امام حسین علیه‌السلام عرض کرد:

«خدایی را که می‌پرستی برای من توصیف کن!»

امام حسین علیه‌السلام فرمود:

يَا نَافِعُ مَنْ وَضَعَ دِينَهُ عَلَى الْقِيَاسِ لَمْ يَزَلِ الدَّهْرُ فِي الْإِلْتِبَاسِ مَائِلًا نَاكِبًا عَنِ الْمُنْهَاجِ ظَاعِنًا بِالْأَعْوَجَاجِ ضَالًّا عَنِ السَّبِيلِ قَائِلًا غَيْرَ الْجَمِيلِ يَا بَنَ الْأَزْرَقِ أَصِفُ الْهَى بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ لَا يُدْرِكُ بِالْحَوَاسِ، وَلَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ قَرِيبٌ غَيْرُ مُلْتَصِقٍ، وَبَعِيدٌ غَيْرُ مُسْتَقْصَى يُوَحِّدُ، وَلَا يُبْعَضُ مَعْرُوفٌ بِالْآيَاتِ مَوْصُوفٌ بِالْعَلَامَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى؛ ای نافع!

هر کس دین خود را بر قیاس بسازد همواره در اشتباه است و در راه به صورت افتد، به اعوجاج و کژی کوچ کند، گمراه گردد و سخنان نازیبا گوید. ای پسر ازرق! من خدایم را وصف می‌کنم به آنچه او خود را وصف فرموده است. او به حواس ادراک نشود و به مردم قیاس نگردد.

رسالت عاشورایی، ص: ۲۰

نزدیک است اما به چیزی چسبیده نیست، دور است اما دوری نجسته (دوری و نزدیکی خداوند مانند دوری و نزدیکی موجودات دیگر نیست. دوری و نزدیکی او با حواس مادی قابل درک نمی‌باشد) او یگانه است و تبعیض، تجزیه و ترکیب در او راه ندارند، و به نشانه‌ها شناخته شده و به علامت‌ها وصف گردیده است؛ غیر از خداوند بزرگ و بلند مرتبه، خدایی نیست.

ابن ازرق گریست و گفت:

«مَا أَحْسَنَ كَلَامَكَ»؛ چقدر نیکو است کلام تو!

امام حسین علیه‌السلام فرمود: «به من رسیده که تو بر پدر و برادر و بر من گواهی به کفر می‌دهی!» ابن‌ازرق گفت: «اَمَّا وَاللَّهِ يَا حُسَيْنُ لَئِنْ كَانَ ذَلِكَ لَقَدْ كُنْتُمْ مَنَارَ الْإِسْلَامِ وَنُجُومَ الْأَحْكَامِ»؛ یا حسین! اگر این ناسزا از من صادر شده، به خدا سوگند! به یقین، شما چراغ اسلام و ستارگان احکام خداید. [۵] یعنی مردم باید از انوار علوم و معارف شما روشنی بجویند و در تاریکی‌ها به ستاره‌های وجود شما هدایت گردند.

امام حسین علیه‌السلام، شمع بزم عالمان

ابن‌کثیر در کتاب خود آورده است: «امام حسین علیه‌السلام و ابن‌زبیر از مدینه به سوی مکه بیرون شدند و در مکه اقامت گزیدند. امام حسین علیه‌السلام مورد توجه مردم قرار گرفت. آنها به سوی او می‌آمدند در اطراف او می‌نشستند

رسالت عاشورایی، ص: ۲۱

و سخنش را می‌شنیدند و از آنچه از او می‌شنیدند سود می‌جستند و گفته‌هایش را ضبط کرده و می‌نوشتند تا از او روایت کنند.»
علائلی در سمو المعنی نگاشته است: «مردم چنان شیفته معنویت و عظمت روح امام حسین علیه‌السلام بودند و چنان امام حسین علیه‌السلام محبوبیت داشت که از همه کس و همه‌جا منصرف و منقطع شده و به سوی او می‌شتافتند. کسی جز امام حسین علیه‌السلام نبود که این همه مرید و ارادتمند داشته باشد؛ گویی مردم در وجود امام حسین علیه‌السلام حقیقت دیگری از عالم ابداع الهی را تماشا می‌کردند. چون امام حسین علیه‌السلام سخن بگوید مثل آن است که زبان عالم غیب باز شده و آنها را از رموز و اسرار پنهان و حقایق نهان آگاه می‌سازد؛ و زمانی که خاموش می‌شد، سکوتش به گونه‌ای متفاوت آنها را از حقایق دیگر با خبر می‌ساخت؛ زیرا پاره‌ای از حقایق را جز با خاموشی عمیق نمی‌توان اظهار کرد؛ مثل نقطه و فاصله‌ای که در میان سطرها، کلمه‌ها و جمله‌ها می‌گذارند و همان نقطه‌ه خالی از نوشته، مانند نوشته‌های کتاب، معنایی می‌دهد که جز با آن نقطه با هیچ نوشته‌ای آن معنا را نمی‌توان بیان کرد.»

کلام فوق نشان از واقعیتی انکارناپذیر از محبوبیت علمی امام حسین علیه‌السلام در میان مردم دارد. با آن‌که مردم در فشار حکومت بوده و جاسوسان و کارآگاهان همه‌جا در تعقیب آنها بودند تا کسی با امام حسین علیه‌السلام رابطه نداشته باشند، اما قدرت سرنیزه و زور نظامی چگونه می‌تواند مردم را از خودشان، دلشان و ضمیرشان جدا کند؟ قدرت، هر میزان که باشد نمی‌تواند بر شعور بشر مسلط شود و سرنیزه هر قدر که کاری و نافذ باشد به باطن انسان و معنویت او نفوذ نمی‌کند.

رسالت عاشورایی، ص: ۲۲

علائلی در ادامه آورده است: «حسین علیه‌السلام کثیر الحدیث و الروایه بود، آن زمان با اینکه تعداد بسیاری از اصحاب پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل حدیث می‌کردند، اما مردم همه آنها را ترک کرده و به مجلس حسین علیه‌السلام می‌آمدند.» پس از این، علائلی احادیثی از آن حضرت نقل می‌کند. [۶]

اخباری که از امام حسین علیه‌السلام نقل شده حاکی از علم و ذوق سرشار، قوت فطانت، استعداد و قریحه و استحکام منطق اوست. این اخبار بیش از آن است که قابل شمارش باشد. آن حضرت به گونه‌ای در مسائل علمی با جودت ذهن و حدت خاطر اظهار نظر می‌کرد و فتوا می‌داد که موجب تحیر مردم

می‌شد، تا حدی که عبدالله بن عمر در حق او گفت: «أَنَّهُ يَغُرُّ الْعِلْمَ غَرًّا» [۷]

هم‌چنان که مرغ، جوجه خود را با منقار خود غذا می‌دهد، امام حسین علیه‌السلام نیز در بیت نبوت و ولایت از سرانگشت علوم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله غذا خورد، و از سینه معارف اسلام شیر مکید و رشد و نمو یافت.

رسالت عاشورایی، ص: ۲۳

درس عبادت**احادیث**

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي التَّوَرَةِ مَكْتُوبٌ يَا ابْنَ آدَمَ! تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمْلَأُ قَلْبَكَ غِنًى وَ لَا أَكِلُكَ إِلَى طَلِبِكَ وَ عَلَى أَنْ أَسِيدَ فَاقْتِكَ وَ أَمْلَأُ قَلْبَكَ خَوْفًا مِنِّي وَ إِنْ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمْلَأُ قَلْبَكَ شُغْلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسُدُّ فَاقْتِكَ وَ أَكِلُكَ إِلَى طَلِبِكَ.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا عِبَادِيَ الصَّادِقِينَ تَنَعَّمُوا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ تَتَنَعَّمُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشَقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عَشْرِ أُمِّ عَلَى يُسَّر.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ؛ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَقْبَحَ الْفَقْرَ بَعْدَ الْغِنَى وَ أَقْبَحَ الْخَطِيئَةَ بَعْدَ الْمَسْكِنَةِ وَ أَقْبَحَ مِنْ ذَلِكَ الْعَابِدُ لِلَّهِ ثُمَّ يَدْعُ عِبَادَتَهُ.

قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَهُوَ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ. [۸]

رسالت عاشورایی، ص: ۲۴

امام حسین علیه السلام، عابدترین بندگان

ابن عبدالبر و ابن اثیر از مصعب زبیری روایت کرده‌اند که می‌گفت:

«حسین با فضیلت و متمسک به دین بود و نماز و روزه و حج او بسیار بود.» [۹] عبدالله بن زبیر در وصف عبادت او گفت: «حسین در شب بیدار و در روز، روزه‌دار بود.»

عقاد می‌گوید: «علامه بر نمازهای پنجگانه، نمازهای دیگر نیز به جا می‌آورد و علاوه بر روزه ماه رمضان، در ماه‌های دیگر هم روزهایی را روزه می‌گرفت، و در هیچ سال حج خانه خدا از او فوت نشد مگر آن‌که ناچار به ترک شده باشد.» [۱۰]

در شبانه‌روز، هزار رکعت نماز به جای می‌آورد، و بیست و پنج مرتبه پیاده حج گذارد و این دلیل کمال عبادت و خضوع او به درگاه خداست. روزی از روزها، رکن کعبه را گرفته بود و بدین گونه دعا و اظهار بندگی و ذلت به درگاه خدای عزیز می‌کرد و او را مدح و ثنا و ستایش می‌نمود:

الْهَى نَعْمَتَنِي فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِرًا وَ ابْتَلَيْتَنِي فَلَمْ تَجِدْنِي صَابِرًا فَلَا أَنْتَ سَلَبْتَ النِّعْمَةَ بِتَرْكِ الشُّكْرِ، وَ لَا اذْمَتَ الشَّدَّةَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ الْهَى مَا يَكُونُ مِنَ الْكَرِيمِ إِلَّا الْكَرَمُ [۱۱]

«خدایا! مرا نعمت بخشیدی و شکر مرا نیافتی، به بلا گرفتارم نمودی و صبر مرا دریافت نکردی، نعمت را از من دریغ نورزیدی و با ترک صبرم شدت بلا را

رسالت عاشورایی، ص: ۲۵

بیشتر ننمودی. پروردگارا! از کریم غیر از کرم نسزد».

اگر کسی بخواهد حال دعا و پرستش و مسکنت آن امام مجاهد مظلوم را در درگاه خدا بداند کافی است که به همان دعای معروف عرفه رجوع نماید.

رسالت عاشورایی، ص: ۲۷

درس سخاوت

احادیث

قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَلَّقَ بِغُضْنٍ مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُضْنُ إِلَى الْجَنَّةِ. وَ الْبُخْلُ شَجَرَةٌ فِي النَّارِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَلَّقَ بِغُضْنٍ مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُضْنُ إِلَى النَّارِ.

قال رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لِعَدِيٍّ بْنِ حَاتِمٍ طَيٍّ: دُفِعَ عَنْ أَبِيكَ الْعَذَابُ الشَّدِيدُ لِسَخَاوَةِ نَفْسِهِ.

قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكَ وَ السَّخِيَّ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْخُذُ بِيَدِهِ.

مولای نیازمندان

امام حسین علیه السلام، نماز را به جای آورد و بیرون آمد. اعرابی تنگدستی را مشاهده نمود، برگشت و قبر را صدا زد. قبر گفت: لَبَّيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ.

فرمود: «از پول مخارج ما چقدر مانده است؟»

عرض کرد: «دویست درهم که فرمودی در بین اهل بیت، قسمت کنم.»

فرمود: «آن را بیاور! کسی آمده که از آنها به آن پول سزاوارتر است.» سپس آن پول را گرفت، بیرون آمد و به اعرابی داد.

قرض را ادا می‌کنم

روزی آن حضرت برای عیادت و احوالپرسی اسامه بن زید به منزل او رفت.

رسالت عاشورایی، ص: ۲۸

اسامه ناله می‌کرد و از غمناکی خود می‌گفت.

فرمود: «برادر چه غمی داری؟»

عرض کرد: «قرضی دارم که شصت هزار درهم است.»

امام حسین علیه السلام فرمود: «آن بر عهده من است.»

اسامه گفت: «می‌ترسم بمیرم و قرضم ادا نشده باشد.»

فرمود: «نمی‌میری تا من آن را ادا کنم.»

ایشان آن قرض را پیش از مرگ او ادا کرد. [۱۲]

رسالت عاشورایی، ص: ۲۹

درس حسن معاشرت

احادیث

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ، وَ مَنْ لَمْ يُحْسِنْ صِيحْبَهُ مَنْ صَحِبَهُ، وَ مُخَالَفَهُ مَنْ خَالَفَهُ، وَ مُرَافَقَهُ مَنْ رَافَقَهُ، وَ مُجَاوِرَهُ مَنْ جَاوَرَهُ، وَ مُمَالِحَهُ مَنْ مَالِحَهُ.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»، كَانَ يُوسِّعُ الْمَجْلِسَ، وَ يَسْتَفْرِضُ لِلْمُحْتَاجِ، وَ يُعِينُ الضَّعِيفَ. قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَظُمُوا أَصِيَابَكُمْ وَ وَقَرُّوهُمْ، وَ لَا يَتَهَجَّمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَ لَا تَصَارُّوا، وَ لَا تَحَاسَدُوا، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْبُخْلَ، كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ.

عذرپذیری امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در آداب اجتماعی و حسن معاشرت با دور و نزدیک، بلند پایه و بی نظیر بود. خصال آن حضرت، سرشار از عفو و گذشت است.

جمال‌الدین محمد زرنندی حنفی مدنی روایت کرده که از حضرت زین‌العابدین از پدرش امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «اگر مردی به من دشنام دهد در این گوش (و به گوش راستش اشاره فرمود) و عذر بیاورد در گوش دیگر، عذر او را می‌پذیرم؛ زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام از جدم پیغمبر صلی الله علیه و آله برای من نقل فرمود:

لَا يَرُدُّ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحِقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ

رسالت عاشورایی، ص: ۳۰

وارد حوض (کوثر) نمی‌شود کسی که عذر را نپذیرد؛ خواه عذرآور حق بگوید یا باطل. [۱۳]

ادب نسبت به برادر

امام حسین علیه السلام با فرزندان، بانوان، خویشان و اهل بیت خود در نهایت ادب، محبت، رحمت، مهربانی، انس و مودت برخورد می‌کرد.

ابن قتیبه روایت می‌کند که مردی خدمت امام حسن علیه السلام آمد، و از آن حضرت درخواست چیزی کرد. حضرت فرمود: «سؤال، شایسته نیست مگر برای وام سنگین یا فقر خوارکننده و یا دیه و تاوانی که ادا نکردن آن سبب رسوایی شود.»

عرض کرد: «نیامدم به خدمت شما مگر برای یکی از آنها.»

حضرت، فرمان داد تا صد دینار به او دادند.

سپس آن مرد خدمت امام حسین علیه السلام رفت و از آن حضرت نیز سؤال کرد، امام حسین علیه السلام هم همان سخن برادرش را به او فرمود و همان پاسخ را شنید؛ سپس پرسید: «برادرم به تو چقدر داد؟»

عرض کرد: «صد دینار.»

امام حسین علیه السلام نود و نه دینار به او عطا کرد؛ زیرا نخواست با برادرش برابری کرده باشد. [۱۴]

رسالت عاشورایی، ص: ۳۱

جواب نیکی به بهتر

یا قوت مستعصمی از انس روایت می‌کند که در خدمت امام حسین علیه‌السلام بودم؛ کنیزکی دسته گلی برای آن حضرت آورد. امام حسین علیه‌السلام فرمود:

اَنْتِ حُرَّةٌ لِّوَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى

تو برای خدا آزادی.

گفتم: «کنیزکی یک دسته گل برایت آورده و تو او را آزاد می‌کنی؟» فرمود: «این چنین خدا به ما ادب آموخته است؛ زیرا می‌فرماید:

«وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها» [۱۵]

هرگاه کسی شما را ستایش کند، شما نیز باید در مقابل به ستایشی بهتر از آن، یا مانند آن، پاسخ دهید. و نیکوتر از این دسته گل، آزاد ساختن او بود. [۱۶]

رسالت عاشورایی، ص: ۳۳

درس عدالت‌خواهی

احادیث

قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُنَّا لِلظَّالِمِ خَضَمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا [۱۷]

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعَدْلُ جَنَّةٌ وَاقِيَةٌ وَجَنَّةٌ بَاقِيَةٌ. [۱۸]

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَالْمُعِينُ لَهُ وَالرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ، ثَلَاثَتُهُمْ. [۱۹]

امام عدالت‌خواه

یکی از داستان‌هایی که گواه بر شدت علاقه امام حسین علیه‌السلام به دفاع از مظلومین و حمایت از بیچارگان بی‌پناه می‌باشد، داستان ارینب دختر اسحاق و همسر عبدالله بن سلام است. یزید که به اصطلاح، شاهزاده و ولیعهد معاویه بود و تمام اسباب شهوترانی، از جمله پول، مقام، زور، کنیزکان ماهرو و زن‌های رقاصه و خواننده خودفروش در اختیارش بودند، با این وجود، باز چشم طمع به بانوی شوهرداری دوخت که باید او و پدرش معاویه پاسدار عصمت و عفت او باشند. یزید همچون اراذل و شهوت‌پرستانی که در وفور عیش و نوش حکومت، تربیت می‌شوند ناآرام شد، اما از آنجا که آن زن، نجیب، پاکدامن و عقیفه بود دسترسی به او از راه فریب و منحرف ساختن وی از طریق پارسایی

رسالت عاشورایی، ص: ۳۴

محال می‌نمود.

معاویه ناپاک، که خود را امیرالمؤمنین می‌خواند، برای خواهش نفس و شهوت یزید دست به نیرنگ بسیار عجیب و بی‌سابقه‌ای زد. او مرد بدبخت را از زن عقیفه و زیبایش جدا نمود و مقدمات کامیابی یزید از آن زن را فراهم ساخت.

اما امام حسین علیه‌السلام با غیرت و جوانمردی در مقابل این تصمیم زشت و شیطانی معاویه ایستاد، و نقشه او را نقش بر آب کرد. امام حسین علیه‌السلام غیرت و حمیت هاشمی و علاقه خود به حفظ نوامیس مسلمین را نشان داد و مانع از رسیدن یزید به هوس

ناپاک و شریرش گردید.

افتراقی را که معاویه با نیرنگ ایجاد کرد، به اتصال مبدل نمود، و آن ستم بزرگ را از عبدالله بن سلام و همسرش دفع گردانید. این داستان در تاریخ مفاخر آل علی علیه السلام و مظالم بنی امیه جاودان باقی مانده است. [۲۰]

رسالت عاشورایی، ص: ۳۵

درس زهد

احادیث در مذمت دنیا

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَتِّ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا.
قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَ وَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ.
قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِجَدِّي أَسْكَتَ مُلْقَى عَلَى مَرْبَلَةٍ مَيْتًا. فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ كَمْ يُسَاوِي هَذَا؟ فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دَرْهَمًا فَقَالَ النَّبِيُّ: وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا الْجَدِّي عَلَى أَهْلِهِ. [۲۱]

نگاه امام حسین علیه السلام به دنیا

بهترین نشانه زهد کامل و خوار شمردن دنیا، همان فداکاری و گذشت سیدالشهداء علیه السلام از جان خود، جوانان، برادران، اصحاب و یاران و تن دادن به آن همه مصیبت و بلا بود.

اگر دنیا و مال و نعمت‌های دنیوی در نظر کسی بی‌قدر و ارزش نباشد نمی‌تواند این گونه در راه حق و یاری دین خدا و بزرگداشت هدف عالی خود پایداری و استقامت ورزد تا به حدی که بدن قطعه قطعه عزیزانش را ببیند، صدای ناله کودکش را از زحمت تشنگی بشنود، گریه زن و فرزند، دل پر مهر و عاطفه او را به درد آورد و برپیکرش آن همه زخم‌های کاری وارد آید اما در

رسالت عاشورایی، ص: ۳۶

یاری دین خدا ثابت و پا برجا بماند، در مقابل باطل، نرمش نشان ندهد و چون کوه در برابر تمام این مصائب استوار بماند. آری! به امام حسین علیه السلام پیشنهاد کردند که با یزید از در مسامحه و سازش در آید و به نحوی که در عرف اهل دنیا خلاف شأن و شرف او شمرده نشود با او کنار بیاید و در عوض، خود، خاندان، فامیل و خویشانش از دنیا متمتع و بهره‌مند شوند؛ اما امام حسین علیه السلام کسی نبود که برای زندگی دنیا و خوشگذرانی، مصالح اسلامی را نادیده انگاشته و با گرفتن حق السکوت، برقراری آن دستگاه فاسد و سراسر ظلم و کفر را امضا نماید و در ادای تکلیف و وظیفه مهمی که از سوی خدا عهده‌دار شده مسامحه و کوتاهی نماید.

امام حسین علیه السلام پسر کسی است که فرمود: «اگر آفتاب را در دست راست، و ماه را در دست چپم بگذارند که دست از دعوت بردارم، برنخواهم داشت». [۲۲]

او پسر کسی است که می‌گفت: «دنای شما نزد من از آب بینی یک بز زکامی خوارتر است». [۲۳]

علائلی می‌نویسد: «حسین علیه السلام در این ناحیه، بزرگ و یگانه بود. زندگی دنیا را خوار می‌شمرد و از مرگ بیم و هراسی نداشت. جز به برهان پروردگارش، که همه چیز را فدای آن می‌کرد، به هیچ چیز توجه نداشت. از این جهت سزاوار است مانند

شاعر هندی، معین الدین اجمیری، او را دومین

رسالت عاشورایی، ص: ۳۷

بنا کننده کاخ اسلام بعد از جدش، و مجدّد بنای توحید و یکتا پرستی بنامیم.» [۲۴]

و نیز علائلی می‌نویسد: «حسین علیه‌السلام به کل وجود و تمام هستی‌اش از دنیا رو گردانده بود.» [۲۵] پس امام حسین علیه‌السلام مانند پدرش، رئیس و سید زهاد بود. پدر می‌گفت:

وَاللّٰهُ لَا بُنَّ ابِيْطَالِبٍ اَنْسَ بِالْمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ بِثَدْيِ اُمِّهِ [۲۶]

به خدا سوگند! انس فرزند ابی‌طالب نسبت به مرگ از انس طفل به سینه مادرش بیشتر است.

وَمَا اَنَا اِلَّا كَغَارِبٍ وَرَدَّ اَوْ كَطَالِبٍ وَجَدَ [۲۷]

پسر می‌گفت:

اَنْتِ لَا اَرَى الْمَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً، وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا بَرَمًا [۲۸]

ابن شهر آشوب در جمله‌ای در مورد زهد آن حضرت گوید که به او گفته شد: «بیم تو از پروردگارت به چه میزان بزرگ است؟» فرمود:

لَا يَأْمَنُ الْقِيَامَةُ اِلَّا مَنْ خَافَ اللّٰهَ فِي الدُّنْيَا؛

درامان نیست کسی در روز قیامت، مگر آن کس که در دنیا از خدا بترسد. [۲۹]

رسالت عاشورایی، ص: ۳۹

درس تواضع

احادیث

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكَئِينَ مُوَكَّلَيْنِ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلّٰهِ رَفَعَهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ التَّوَاضَعَ أَنْ تَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَأَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ تَلْقَى وَأَنْ تُتْرِكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا وَأَنْ لَا تُحِبَّ أَنْ تُحْمَدَ عَلَى التَّقْوَى.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيمَا أَوْحَى اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ: يَا دَاوُدُ كَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ اللّٰهِ الْمُتَوَاضِعُونَ كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللّٰهِ الْمُتَكَبِّرُونَ. [۳۰]

از افتادگی تا عزت

هرچه معرفت، خداشناسی، توحید، علم و حکمت انسان بیشتر شود، تواضع و فروتنی او زیاده‌تر می‌گردد.

تکبر بشر، ناشی از جهل، نادانی، غفلت و خودپسندی است. در آیات کریمه و احادیث از تکبر به شدت مذمت، و از تواضع، مدح و ستایش شده است.

امام حسین علیه‌السلام در نزد مردم بسیار محترم بود. زمانی که او و برادرش، حسن مجتبی علیهما‌السلام پیاده به حج می‌شتافتند تمام رجال و شیوخ صحابه

رسالت عاشورایی، ص: ۴۰

که همراه آنها بودند به احترامشان از مراکب پایین آمده و پیاده راه می‌پیمودند.

احترام امام حسین علیه‌السلام در میان مردم نه برای آن بود که او کاخ مجلل داشت یا مرکب‌های سواری او گران‌قیمت بودند یا غلامان و سربازانی پیشاپیش یا دنبال مرکب او می‌رفتند یا آن که مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله را برای او خلوت می‌نمودند و راه‌ها را در موقع آمد و شد وی بر مردم می‌بستند، نه! برای هیچ یک از اینها نبود. امام حسین علیه‌السلام با مردم زندگی می‌کرد و جدایی از آنها را نمی‌پذیرفت. زندگی او مالا مال از سادگی بود. همه ساله پیاده به حج می‌رفت و با مردم نشست و برخاست، و آمد و شد می‌نمود؛ با فقرا معاشرت می‌کرد، در نماز جماعت، حاضر می‌شد، به عیادت بیماران می‌شتافت، در تشییع جنازه‌ها شرکت می‌جست و در مسجد جدش پیغمبر با دوستان و اصحاب می‌نشست. او دعوت فقرا را می‌پذیرفت و آنها را میهمان می‌نمود، خودش برای محتاجان، بینوایان، بیوه زنان و یتیمان، نان و غذا می‌برد.

آثار تواضع بر دوش حضرت

وقتی سپاهیان ستم‌پیشه و سنگدل کوفه بدن مطهر ایشان را عریان بر خاک افکندند، بر شانه مبارکش نشان از برداشتن بار دیدند، از علت آن جويا شدند، حضرت سجاد فرمود: «اثر انبان‌هایی است که در مدینه به دوش مبارک بر می‌گرفت و به خانه‌های فقرا، ایتام و بیوه‌زنان می‌برد.» [۳۱]

رسالت عاشورایی، ص: ۴۱

درس شجاعت

احادیث

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا. قَالَ: قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: هُنَّ الْوَرَعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَالْحَيَاءُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْعِزَّةُ وَالْبِرُّ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُعْطِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ سَبْعَةٌ لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلَنَا وَلَا يُعْطَاهَا أَحَدٌ بَعْدَنَا الصَّبَاحَةُ وَالْفَصَاحَةُ وَالسَّمَاحَةُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالْمَحَبَّةُ مِنَ النِّسَاءِ

شجاعت راستین

شجاعت، یکی از فضایل برجسته امام حسین علیه‌السلام می‌باشد. شجاعت این قهرمان تاریخ، حالتی است نفسانی و روحی که حد وسط بین تهور و جبن است، هر کس واجد آن باشد دارای ضبط نفس خاصی است و عوامل ترس، جبن، کندی، سستی و فتور، و اسباب تند، بی باکی، گستاخی و جسارت بر چنین شخصی مسلط نمی‌شود. این صفت اگر زور بازو، قدرت جسمی و هر قوه و قدرت دیگر را رهبری کند، آن قدرت، مظهر شجاعت خواهد شد در غیر این صورت سبب سرزنش و ملامت می‌گردد.

این صفت از شریف‌ترین صفات فاضله است. ظهور استعدادهای کمال‌آفرین

رسالت عاشورایی، ص: ۴۲

بشر و فعلیت قوای کامله در او به این صفت وابسته می‌باشد.

معیار بقای امت‌ها

هر ملتی که افراد آن از شجاعت روحی و اخلاقی بهره‌مند نباشند رهسپار دیار نیستی خواهد شد و به زودی تحت تسلط بیگانگان قرار خواهد گرفت.

وجود و بقای امت‌ها و عزت و سربلندی آنها وابسته به میزان بهره‌مندی آنها از شجاعت است.

محافظه‌کاری، احتیاطات بی‌جا، عوام‌فریبی، ترس از انتقاد، جلوگیری از آزادی دیگران، اختناق افکار، تندروری‌ها، جسارت‌های جنون‌آمیز، باختن روحیه و ناشکیبی، ستمگری و وطن‌فروشی، خیانت به ملت و پیشه‌کردن سیاست محافظه‌کارانه در امور و راضی شدن به بی‌شرفی و بی‌آبرویی، همه کاشف از نداشتن صفت شجاعت است.

چنانچه ضبط نفس، خویش‌تن‌داری، صراحت لهجه، مقاومت در برابر ناملایمات و سختی‌های روزگار، بیم نداشتن از انتقاد و احترام به آزادی دیگران، ناشی از ملکه شجاعت می‌باشد.

تمام مظاهر این شجاعت در امام حسین علیه‌السلام تجلی یافته بود. روح و جسم او مرکز نمایش عالی‌ترین مرتبه شجاعت بود تا جایی که «شجاعة الحسینیة» ضرب المثل گشت.

در رزمگاه امام حسین علیه‌السلام

وقتی امام حسین علیه‌السلام به قصد کوفه حرکت کرد، ابن زیاد از شنیدن این

رسالت عاشورایی، ص: ۴۳

خبر، ناراحت و نگران گردید. او بیست هزار نفر را برای نبرد با حضرت فرستاد و به آنها امر کرد تا برای یزید از آن حضرت بیعت بگیرند و اگر بیعت نکرد او را بکشند. وقتی به او پیشنهاد بیعت شد، پذیرفت و به جد و پدرش تأسی نمود و به تحمل ظلم و زور و ننگ و عار، راضی نگشت؛ شجاعت هاشمیه را آشکار کرد و با اینکه خود، اهل بیت، عزیزان، کسان و اصحابش را محاصره کرده و هدف نیزه و تیر قرار دادند، در جهاد، ثابت‌قدم ماند و با شهادت عالی بدون اضطراب و با قوت قلب در چنین موقعیت خطیری پایداری نمود و ندا سر داد:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! مَا رَأَيْتُ أَغْدَرَ مِنْكُمْ قُبْحًا لَكُمْ، وَ تَعَسَّاءَ لَكُمْ الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ. اسْتَظَرَّ رَحْمَتُنَا فَأَتَيْنَاكُمْ، وَ اسْرِعْتُمْ إِلَى بَيْعَتِنَا سُرْعَةَ الدَّبَابِ وَ لَمَّا أَتَيْنَاكُمْ تَهَاوَيْتُمْ تَهَاوَيْتَ الْفَرَّاشِ، وَ سَلَلْتُمْ عَلَيْنَا سَيْوْفَ أَعْدَائِنَا مِنْ غَيْرِ عَيْدَلٍ أَفْشَوْهُ فَيْكُم، وَ لَا ذَنْبَ مِنَّا كَانَ إِلَيْكُمْ إِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ثُمَّ حَمَلَ عَلَيْهِمْ، وَ سَيْفُهُ مُصَلَّتٌ فِي يَدِهِ وَ هُوَ يُنْشِدُ:
أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْجَبْرِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ كَفَانِي بِهَذَا مَفْخَرًا حِينَ أَفْخُرُ

ای مردم کوفه! عهد شکن‌تر از شما ندیده‌ام؛ زشتی، هلاکت، نابودی و شقاوت بر شما باد که به ما استغاثه کردید، و ما را به یاری خود خواندید، ما دعوت شما را پذیرفتیم و شما به سوی بیعت ما مانند مگس، شتاب گرفتید! اکنون که به سوی شما آمدیم مانند پروانه سبک فرو ریختید، و به سوی شر و بدی رو کردید و شمشیرهای دشمنان ما را به روی ما کشیدید بی‌آن که آنها عدل و دادی در میان شما فاش کنند، و از ما گناهی نسبت به شما صادر شده

رسالت عاشورایی، ص: ۴۴

باشد. آگاه باشید که لعنت خدا بر ستم‌کاران است! پس بر آن مردم غدار با شمشیر از نیام کشیده حمله می‌کرد و می‌فرمود:

من فرزند علی آن مرد عالم صالح هستم از آل هاشم و در مقام مفاخره، این افتخار برای من بس است. «او همواره جهاد می‌کرد تا بسیاری از شجاعان سپاه کوفه را به خاک هلاکت انداخت و در دریای جنگ فرو می‌رفت و از مرگ، اندیشه نمی‌کرد.» [۳۲]

ابن ابی الحدید می‌نویسد: «کیست در شجاعت مانند امام حسین بن علی علیه‌السلام که در میدان کربلا گفتند: ما شجاع‌تر از او کسی را ندیدیم در حالی که انبوه مردم بر او حمله‌ور شده، و از برادران، اهل و یاران جدا شده باشد، مانند شیر رزمنده، سواران را درهم می‌شکست و چه گمان می‌بری به مردی که راضی به پستی نشد، و دست در دست آنها نگذارد تا کشته شد.» [۳۳]

رسالت عاشورایی، ص: ۴۵

درس عزم و اراده

احادیث

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصْلُ الْعَزْمِ الْحَزْمُ وَ ثَمَرَتُهُ الظَّفَرُ.
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنَ الْعَزْمِ قُوَّةُ الْعَزْمِ.
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَغْزِمَ عَلَى مَا لَمْ تَسْتَبِينَ الرُّشْدَ فِيهِ.

عظمت در تصمیم

عظمت در تصمیم به معنای عزم راسخ داشتن به انجام و پایان کار، به طوری که هیچ گاه و به هیچ گونه از عزم خود باز نگردد، و در تصمیم خود سستی نرزد؛ از آغاز کار، ملاحظه پایان و عاقبت آن را بنماید و هشیارانه تصمیم بگیرد. اکنون بخوانید که امام حسین علیه‌السلام چگونه با پیش‌بینی پایان کار، وارد میدان شد و سخنان او چگونه از شعور خطیرش بر می‌خاست. آن گاه که عزم خروج از مکه و سفر به عراق را داشت این خطبه را خواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ خُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وَلَدِ آدَمَ مَخْطُ الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ، وَمَا أَوْلَهُنِي إِلَى إِسْلَافِي أَشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ، وَخَيْرَ لِي مَصْرَعٌ أَنَا لِأَقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعُهَا عُشْلَانُ الْفُلُوتِ بَيْنَ النَّوَابِسِ، وَكَرَبَلَا فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا، وَاجْرِبُهُ سَغْبًا لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رَضَى اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصْبِرُ عَلَى بَلَائِهِ، وَيُوفِّئُنَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ لَنْ تَشَدَّ

رسالت عاشورایی، ص: ۴۶

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ لِحُمَّتِهِ بَلْ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ تَقْرَأُ بِهِمْ عَيْتُهُ وَيَنْجِزُ بِهِمْ وَعْدَهُ الْفَمَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَمَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ فَلْيَزَحْلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. [۳۴]

سپاس برای خداست و آنچه خواست اوست می‌شود و نیرویی جز به خدا نیست و درود خدا بر پیغمبرش.

مرگ، بر فرزندان آدم نوشته شده و آنها را احاطه کرده، مانند گردن بند بر گردن دختر جوان. من بسیار مشتاق به دیدار گذشتگان خویشم همان گونه که یعقوب مشتاق دیدار یوسف بود. برای من قتلگاهی است که من آن را خواهم دید. گویا می‌بینم که در میان نوایس و کربلا، گرگان بیابان، رگ‌های مرا پاره می‌کنند تا شکم‌های گرسنه خود را سیر نمایند. از چنان روزی که با قلم قضا نوشته شده گریزی نیست، رضای خدا رضای ما خاندان است. بر بالای او صبر می‌کنیم تا به ما مزد صابران عطا فرماید. هرگز پاره تن پیغمبر از او جدا نشود، بلکه با او در حظیره قدس در یک جا باشد، چشمش به پاره‌های تنش روشن شود و به واسطه ایشان به

و عده خود وفا کند.

آگاه باشید! هر کس از ریختن خون خویش در راه ما دریغ ندارد، و دل به شهادت و لقای خدا می‌نهد با ما کوچ کند که من بامداد کوچ خواهم کرد. ان شاء الله تعالی.

این بود منطق امام حسین، و سخنان شور انگیز و قاطع او در برابر کسانی که وی را از تصمیمی که داشت باز می‌داشتند. بسا اشخاصی که هدف و مبدأ بزرگی را در نظر می‌گیرند و برنامه‌هایی

رسالت عاشورایی، ص: ۴۷

عالی اعلام می‌کنند، اما در میانه راه، آن گاه که در برابر خطر قرار گرفتند برنامه را فراموش می‌کنند یا هنگامی که مال، اعتبار و مقامی به آنها پیشنهاد کردند مال و مقام یا شهوت‌رانی، آنها را ذلیل و بیچاره ساخته و از هدف خود چشم‌پوشی می‌نمایند؛ این افراد از هدف خود دست می‌کشند. اینان علاوه بر آن که در میدان فضیلت، سهمی نصیبشان نمی‌شود دامنشان به عیب و ننگ، آلوده می‌گردد و اگر از آغاز سخنی نمی‌گفتند و برنامه‌ای اعلام نمی‌کردند شرافت و ایمانشان کمتر زیان می‌دید.

عزم حسینی

امام حسین علیه‌السلام در اینجا نیز مانند جد و پدرش از تمام کسانی که برای حق و به نام عدل قیام کردند برنده میدان بود، و وقتی با همه نوع خطری مواجه شد و هرگونه اسبابی که دیگران را ناچار به تسلیم می‌ساخت فراهم گشت، فرمود: نه، به خدا سوگند! به خواری دست در دست شما نمی‌گذارم و چون بندگان از جهاد فرار نمی‌کنم. ای بندگان خدا! من پناه می‌برم به پروردگار خودم و پروردگار شما از اینکه مرا سنگباران کنید، و پناه می‌برم به خدا از هر متکبری که ایمان به روز قیامت ندارد. و نیز فرمود:

ثُمَّ اَيُّمُ اللّٰهِ لَا تَلْبِثُوْنَ بَعْدَهَا اِلَّا كَرِيْثَ مَا يُرْكَبُ الْفَرَسُ حَتّٰى تَدُوْرَ بِكُمْ دَوْرَ الرَّحٰى، وَ تَقْلُقَ بِكُمْ قَلَقَ الْمَحْوَرِ عَهْدٌ عَهْدُهُ اِلٰى اَبِى عَن جَدِّى فَاجْمِعُوْا اَمْرَكُمْ، وَ شَرُّكُمْ اَمْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْنَكُمْ غُمَّ ثُمَّ اَقْضُوا اِلٰى وَلَا تُنْظَرُوْنَ اَنِّىْ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ رَبِّىْ وَ

رسالت عاشورایی، ص: ۴۸

رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّىْ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ [۳۵]

به خدا سوگند! بعد از من درنگ نکنید مگر به مقداری که کسی بر اسب نشیند، تا روزگار بر شما چون آسیاب گردد و چون محور، مضطرب شوید؛ عهده‌ای است که پدرم از جدم مرا به آن خبر داده است. پس شما کار خود را فراهم کنید و همکارانتان را گرد آورید و بر من بتازید و مرا مهلت ندهید، من بر خدایی که پروردگار من و شماست توکل کرده‌ام، هیچ جنبنده‌ای نیست مگر آن که ناصیه او به دست خداست، به درستی که پروردگار من بر صراط مستقیم است.

عظمت در مردانگی

در این عظمت نیز امام حسین علیه‌السلام مقامی عجیب و سخت شگفت‌انگیز داشت و مردانگی در وجود او به حد اکمل نمایش یافت. شاید برجسته‌ترین موارد ظهور مردانگی آن حضرت، زمانی بود که سپاه کفرپیشه، او و اصحابش را تیر باران نمودند. امام حسین علیه‌السلام برخاست نگاهی به آن تیرها و نگاهی به اصحاب کرد؛ سپس فرمود:

بر خیزید! خدا شما را رحمت کند، و از مرگی که چاره‌ای از آن نیست پیشواز نمایید، اینک این تیرها فرستاده‌های این مردم به سوی شمایند.

اصحاب برخاستند و ساعتی را با آنها نبرد کردند تا جمعی از آنان به شهادت رسیدند. در این هنگام امام حسین، دست بر محاسن شریف زد و فرمود:

رسالت عاشورایی، ص: ۴۹

خشم خدا بر یهود شدت یافت وقتی برای او فرزندی قرار دادند، و غضب خدا بر نصارا سخت شد وقتی او را ثالث ثلاثه خواندند. و غضب خدا بر مجوس سخت شد وقتی آفتاب و ماه را به جای خدا پرستیدند، و خشم خدا شدت یافت بر قومی که هم کلام و متفق برای کشتن پسر دختر پیغمبر خودشان شدند، به خدا آنها را به آنچه می‌خواهند جواب نمی‌دهم تا اینکه خدا را ملاقات کنم در حالی که به خون خود خضاب شده باشم.

جمله‌ای که از مردانگی امام حسین هراس‌انگیز است این است که فرمود:

لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بَيِّدِي أُعْطَاءَ الدَّلِيلِ، وَلَا أَفُزُّ فِرَارَ الْعَبِيدِ يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تُزْجَمُونَ أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مَتَكَبَّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ. [۳۶]

قُومُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى الْمَوْتِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ فَإِنَّ هَذِهِ السَّهَامَ رُسُلُ الْقَوْمِ إِلَيْكُمْ

اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ اذْ جَعَلُوا لَهُ وَلَدًا، وَ اَشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى اذْ جَعَلُوهُ ثَالِثَ ثَلَاثَةٍ، وَ اَشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْمَجُوسِ اذْ عَبَدُوا الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دُونَهُ، وَ اَشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى قَوْمِ اتَّفَقَتْ كَلِمَتُهُمْ عَلَى قَتْلِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِمْ اَمَّا وَاللَّهِ لَا اُجِيبُهُمْ اِلَى شَيْءٍ مِمَّا يُرِيدُونَ حَتَّى الْقَى اللَّهُ وَاَنَا مُخَضَّبٌ بِدَمِي [۳۷]

قُومُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى الْمَوْتِ

اما وَاللَّهِ لَا اُجِيبُهُمْ ...

و دیگر اینکه فرمود:

رسالت عاشورایی، ص: ۵۰

این دو جمله با کمال وضوح، مردانگی امام حسین علیه‌السلام را آشکار می‌سازد که در چنان موقف مهیب و وحشتناکی هیچ‌گونه بیم و هراس، شکست و خودباختگی بر وجود او مستولی نگشت؛ اصحاب را به استقبال از مرگ دعوت فرمود مانند آن که آنها را برخوان لذیذترین غذاها بخواند.

و به حق هم آن مرگی که امام حسین به آن دعوت می‌کرد، لذت‌بخش بود؛ زیرا او می‌خواست با باطل نبرد کند و برهان خداوند که مبدأ او بود، در پیش چشمانش ترسیم شود و صدای خدا را که صدای ضمیر و وجدان پاک و ایمان سرشارش بود می‌شنید و جز این کلمات چیزی دیگر نمی‌دید: خدا، پیغمبر خدا، قرآن (کتاب خدا).

رسالت عاشورایی، ص: ۵۱

درس صبر

احادیث

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّبْرُ صَبْرَانِ؛ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَأَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْكَ. [۳۸]

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ. [۳۹]
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اطْرَحْ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ، وَحُسْنِ الْيَقِينِ. [۴۰]

مرد صبر

امام حسین علیه السلام در مقام صبر، امتحانی داد که دوست و دشمن از عظمت آن در شگفتی ماندند و حتی فرشتگان آسمان نیز از آن صبر و شکیبایی در تعجب فرو رفتند.
برحسب فقره‌ی زیارت ناحیه مقدسه:
وَقَدْ عَجَبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ. [۴۱]

رسالت عاشورایی، ص: ۵۲

ظهور این فضیلت از آن حضرت به نوعی شد که سخن از صبر و خویشتن‌داری آن امام شهید، توضیح واضح‌تر است. با این حال، از جهت فایده اخلاقی، چند قسم از اقسام عالی صبر را بیان می‌کنیم و سپس موقف عظیم و بی‌نظیر آن حضرت را در هریک نشان می‌دهیم:

صبر در جهاد

صبر در جهاد این است که مجاهد راه خدا به واسطه‌ی ایجاد جراحت و زخم اسلحه، پشت به میدان نکند و از زخم‌های کاری، پریشان خاطر نشود و روحیه‌اش از یورش و حمله دسته‌جمعی قوای مسلح دشمن ضعیف نگردد.
یکی از علل فتوحات مسلمانان در صدر اسلام این بود که مسلمین برای کسب ثواب و فوز به قرب خدا در میدان‌های نبرد، آسوده خاطر و با اطمینان، صابرا نه جهاد می‌کردند. قرآن این مردم را مدح نموده، و از صبر آنان تمجید کرده است:
«وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ، وَحِينَ الْبَأْسِ». [۴۲]
و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ». [۴۳]

این افتخار، در میدان‌های جهاد اسلامی در درجه نخست، نصیب علی علیه السلام و خاندان پاکش بود. آنان در هیچ‌یک از جنگ‌ها، از جهاد، روی نگردانند. علی علیه السلام در جنگ بدر، حنین، احزاب و غزوات دیگر شرکت داشت. او در

رسالت عاشورایی، ص: ۵۳

نهایت صبر و تحمل، ثابت قدم بود به طوری که در جنگ احد، نود جراحت بر بدنش وارد شد اما هم‌چنان می‌جنگید و از پیغمبر و اسلام مردانه و صادقانه دفاع می‌نمود. برادر آن حضرت، جعفر بن ابی‌طالب در جنگ موته بیش از هفتاد زخم شمشیر و نیزه بر بدنش وارد شد. آن مجاهد راه خدا، پرچم اسلام را نگاه داشت تا دست‌هایش را قطع کردند و همچنان ثبات ورزید تا او را برحسب بعضی تواریخ، به دو نیمه ساختند.

امام حسین علیه السلام به روایت ابن اثیر و مسعودی و نقل عقاد، سی و سه طعن نیزه و سی و چهار زخم شمشیر و خنجر برداشت که این شصت و هفت زخم به غیر از زخم تیرها بود.

عقاد نقل می‌کند: «مجموع جراحاتی که اثر آن در لباس امام حسین علیه السلام هویدا بود، صد و بیست جراحت بود؛ حتی از بعضی

روایات استفاده می‌شود که مجموع جراحات وارده از شمشیر، تیر، نیزه و سنگ بر آن بدن عزیز خدا بیش از سیصد و ده جراحات بوده است و تمام این زخم‌ها از پیش رو و سینه مطهر بر آن حضرت رسیده بود. [۴۴]

امام حسین علیه‌السلام با این کثرت جراحات، باز هم جنگ می‌کرد و رجز می‌خواند و تا ممکن بود سواره و سپس پیاده به سپاه دشمن مردانه حمله می‌کرد؛ حتی آن وقتی که بر زمین می‌افتاد با کمک شمشیر برمی‌خاست و آن مردمی که ننگ عالم انسانیت شدند را از خود دور می‌گرداند و دفاع می‌کرد و صبر می‌نمود.

رسالت عاشورایی، ص: ۵۴

صبر بر بلا

این نوع صبر، از صبر بر جراحات و آلام بدنی به مراتب دشوارتر و طاقت‌فرساتر است. اما امام حسین علیه‌السلام، که صبر و شکیبایی‌اش از کوه‌های عالم بیشتر بود، در داغ مرگ جوانان و برادران، و مصیبت بهترین اصحاب و یاران که همه را با لب تشنه در پیش رویش به فجیع‌ترین وضعیتی به شهادت می‌رساندند و بدنشان را پاره پاره می‌کردند، صبری کرد که از آغاز عالم تا به حال، چنان صبری از کسی آشکار نشده است.

آغوش آن امام، قتلگاه طفل شش ماهه‌اش گردید.

برادرزاده سید شهیدان کربلا در آغوش آن امام مظلوم به شهادت رسید.

کودک خردسال دیگرش را که لرزان از خیمه بیرون آمده بود با ضربت عمود، تشنه کام کشتند.

او در تمام این مصیبات جانکاه، صبر کرد؛ حتی کودکی را که شمشیر دشمن دستش را قطع کرده بود مانند مردان دنیادیده امر به صبر می‌کرد و می‌فرمود:

يَا ابْنَ أَخِي! اصْبِرْ عَلَى مَا نَزَلَ بِكَ، وَ اخْتَسِبْ فِي ذَلِكَ الْخَيْرِ. [۴۵]

ای برادرزاده من! صبر کن بر آنچه که بر تو (از بلاها و مصیبت‌ها) وارد شده و اینها را خیر حساب کن!

امام حسین علیه‌السلام اهل بیتش را در معرض اسیری می‌دید و با اینکه این مصیبت برای او که مجسمه غیرت و مردانگی بود، بسیار سخت و جانگداز می‌نمود، صبر فرمود و آنها را به صبر، وقار، خاموشی و خویشتن‌داری سفارش

رسالت عاشورایی، ص: ۵۵

می‌کرد و به رحمت خدا مژده داده و می‌فرمود:

وَرَحْمَةُ اللَّهِ لَا تُفَارِقُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

صبر در هنگامه غضب

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه و آله در روایتی می‌فرمایند: «نیرومند کسی است که به هنگام خشم، مالک خویش گردد.» [۴۶]

امام حسین علیه‌السلام هرگز تحت تأثیر خشم و غضب، کاری را انجام نداد؛ او به هنگام غضب، بر خود مسلط بود و اگر تمام عوامل خشم فراهم می‌شد، آن حضرت از طریق اعتدال و میانه‌روی و راه صواب به قدر چشم برهم‌زدنی بیرون نمی‌شد.

علائلی می‌نویسد: غلامی از غلامان حضرت، آب بر دست مبارکش می‌ریخت؛ ظرف آب از دست غلام در طشت افتاد، آب طشت بر روی مقدس ایشان پاشید. غلام عرض کرد: ای آقای من!

«وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ».

فرمود: «خشمم را فرو خوردم.» غلام گفت:

«وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»

. فرمود: «تو را عفو نمودم.» عرض کرد:

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

فرمود:

اَذْهَبْ فَإِنَّ حُرَّ لَوْجِهِ اللَّهُ الْكَرِيم [۴۷]

برو که تو در راه خدا آزادی!

رسالت عاشورایی، ص: ۵۶

یکی از نمایش‌های حُسن خلق و کرم آن حضرت که نشان می‌دهد آن امام شهید در برابر عوامل غضب، خشم و کینه، کمال قدرت و ایستادگی را داشت، سیراب کردن لشکر حرّ است.

وقتی لشکر حرّ در گرمگاه روز رسیدند و حضرت، تشنگی را مشاهده کرد فرمان داد تا به آنها و اسب‌هایشان آب بپاشند. برحسب امر امام، تمام سپاه دشمن را از مرد و مرگب، سیراب کردند و بر پاها و شکم چهارپایانشان آب پاشیدند. علی بن طعان محاربی گفت: من پس از همه رسیدم؛ آن بحر کرم و نور دیده‌ی ساقی کوثر مرا به آن حال دید؛ به زبان مبارک و در نهایت لطف و مرحمت به لغت حجاز فرمود:

يَا بْنَ أَخِي أَنْخِ الرَّاوِيَّةَ

برادرزاده! شتر را بخوابان.

من معنای کلام امام را ندانستم، امام دانست که نفهمیدم پس فرمود:

اَنْخِ الْجَمَلَ

شتر را بخوابان.

من شتر را خوابانیدم. سپس فرمود:

اَخْنِ السِّقَا

دهانه مشک را بر گردان و آب بنوش!

من نتوانستم. امام پیش آمد و دهانه مشک را به دست مبارک پیچید تا آب

رسالت عاشورایی، ص: ۵۷

نوشتیدم. [۴۸]

از نمونه‌های دیگر صبر آن حضرت، امتناع او از شروع جنگ بود. با اینکه می‌دانست آن لشکر کفر پیشه به هیچ وجه بر او و عزیزانش رحم نمی‌کنند و با اینکه از آنها رفتارها و حرکاتی سر می‌زد که صبر بر آن اعمال نکوهیده، دشوار بود، آن حضرت، حجت را بر آنها تمام ساخت و نه خود و نه اصحابش دست به اسلحه نبردند.

چون نامه ابن زیاد به حرّ رسید و در آن دستور داده بود که حرّ بر امام حسین علیه‌السلام کار را تنگ بگیرد و ایشان را در بیابانی بی‌آب و سبزه فرود آورد، زهیر بن القین به امام عرض کرد: «به خدا قسم! آن سپاهی که پس از آنها بیایند بسی بیشتر باشند، اجازه بده تا هم اکنون با این گروه نبرد کنیم.» آن حضرت فرمود: «من ابتدا جنگ را شروع نمی‌کنم.»

همچنین وقتی آب را بر روی امام و اصحابش بسته بودند و همه لشکریان آن حضرت از زن و مرد، کوچک و بزرگ، جوان و پیر، بیمار و سالم، حتی اسب‌ها و مراکب، تشنه بودند و صیحه‌ی تشنه‌کامان همواره به گوش امام می‌رسید، ایشان از شروع جنگ، خودداری فرمود.

حتی زمانی که جرثومه شرارت و خباثت، شمر ملعون روز عاشورا به خیام طاهره نزدیک شد و در پیرامون خیمه‌های جلالت و عظمت می‌گردید تا نقطه‌ای را که از آنجا می‌توان به خیام و لشکرگاه امام، حمله کرد معین سازد، خندقی را دید که آتش در آن افروخته‌اند؛ بانگ برداشت و به امام جسارت

رسالت عاشورایی، ص: ۵۸

کرد. مسلم بن عوسجه که در تیراندازی مهارت داشت اجازه خواست شمر را با تیر بزند و زمین را از لوٹ وجود خبیث آن دشمن خدا پاک سازد. حضرت اجازه نفرمود؛ زیرا از شروع کردن جنگ کراهت داشت؛ [۴۹] مثل اینکه می‌خواست جنگش با آنها صورت دفاع داشته باشد.

رسالت عاشورایی، ص: ۵۹

فقه عزاداری

اشاره

رسالت عاشورایی، ص: ۶۱

مقاتل معتبر

س. مقاتل معتبر اعم از فارسی و عربی از نظر حضرت تعالی کدام‌اند؟
ج. مقاتل معتبر، متعدد است، مثل نفس‌المهموم و ابصار العین و مقتل مقرر و ق مقام زخار و مقتل بحار الانوار.

مجلس عزاداری به صورت تئاتر

س. اخیراً مطرح می‌شود که مجالس عزاداری خصوصاً عزای سیدالشهدا علیه‌السلام از صورت سنتی و روضه‌خوانی و استماع آن خارج بشود و به صورت نمایشی و تئاتری تبدیل گردد، بلکه به این مطلب اصرار می‌ورزند. نظر مبارکتان را بیان فرمایید.
ج. اقامه‌ی عزای آن بزرگوار باید با ذکر مصائب از کتب صحیحه معتبره توسط ذاکرین و علمای محترم با حفظ شئون اهل بیت علیهم‌السلام باشد و به صورت تئاتر درآوردن معمولاً خالی از لوازم فاسده و غیر شرعی نیست.

خواندن روضه بی سند

س. خواندن روضه بی‌اساس یا مشکوک توسط مدّاح و یا سخنران، چه حکمی دارد؟

رسالت عاشورایی، ص: ۶۲

ج. خواندن روضه بی‌اساس، جائز نیست، و خواندن چیزی که احتمال صحت آن را می‌دهد اگر به صورت احتمال باشد، اشکال ندارد.

خصوصیات مداح

س. به نظر حضرت‌عالی، یک مداح اهل بیت علیهم‌السلام چه خصوصیتی باید داشته باشد؟
ج. مداحی اهل بیت عصمت و طهارت سلام‌الله‌علیهم اجمعین، چنانچه برای خدا باشد عبادت است و اجر عظیم دارد و به همین جهت مداح باید اهل تقوا و مقتید باشد اشعاری که می‌خواند خلاف واقع و دروغ نباشد و این عبادات را تا می‌تواند به قصد قربت انجام دهد تا از ثبوبات آن برخوردار شود هر چند گرفتن مزد در برابر آن اشکال ندارد.

مداحی با ریتم موسیقی و غنا

س. آیا مداحی که با ریتم موسیقی و به صورت غنا خوانده شود، حرام است؟
ج. بلی، حرام است.

صدای زنان نوحه‌خوان

س. در برخی موارد مرثیه‌خوانی و یا مداحی زنان در مجالس زنانه، صدای آنان به گوش مردان می‌رسد. آیا این عمل جایز است؟
رسالت عاشورایی، ص: ۶۳
ج. اگر صدای آنان موجب لذت‌بردن مردان و تحریک شهوت گردد، جایز نیست.

تقلید صدای حیوانات در عزاداری

س. در برخی از جلسات مذهبی و عزاداری، برای اظهار نهایت تذلل در برابر اهل بیت علیهم‌السلام، عده‌ای صدای حیوانات، مانند سگ از خود در می‌آورند. حکم شرعی آن را بیان فرمایید؟
ج. چون در انظار، موهن است، سزاوار است اظهار ارادت و ولایت خود را در صورت‌های جالب و تحسین‌آمیز انجام دهند.

برهنه‌شدن هنگام سینه‌زنی

س. آیا سینه‌زنی به صورتی که از کمر به بالا برهنه شوند، در عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام جائز است؟
ج. اگر مستلزم نگاه نامحرم نباشد، اشکال ندارد.

پابرنه‌رفتن در عزاداری

س. بعض عزاداران به خود گِل می‌مالند و با پای برهنه راه می‌روند. این نحوه عزاداری چه حکمی دارد؟
ج. این گونه امور که در محلی طبق مرسوم آن محل به وسیله آن، اظهار حزن و عزا نسبت به سالار شهیدان علیه‌السلام
رسالت عاشورایی، ص: ۶۴
بنمایند، چنانچه ضرر معتد به برای جسم و جان نداشته باشد، مانعی ندارد.

گریبان چاک زدن

- س. حکم چاک زدن گریبان و بر سر و صورت زدن در مصیبت امام حسین علیه السلام چیست؟
ج. بر سر و صورت زدن و گریبان چاک زدن در مصیبت آن بزرگوار، مانعی ندارد.

هروله

- س. «هروله» در جلسات عزاداری چه حکمی دارد؟
ج. گاه می شود که اشخاص مصیبت زده از شدت تأثر از جا بر می خیزند و می روند و می آیند و خود را می زنند و فریاد می کنند؛ اگر کسی در مصیبت حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه که اعظم مصائب است واقعاً چنین حالی پیدا کند، یا مثل تباهی چنین حالی را دارد نمی توان این حالات را اهانت دانست. در این موارد سلیقه ها مختلف است؛ بحسب ازمنه و امکانه فرق پیدا می کند و عرف عام را باید ملاک دانست. آنچه لازم است این است که همه بر حفظ و شکوه و عظمت و حقیقت و وقار قدس و ملکوتی این برنامه و نشان دادن کمال حزن و اندوه خود اهتمام نمایند.
رسالت عاشورایی، ص: ۶۵

پوشیدن لباس مشکی در عزاداری

- س. آیا کراهتی که در پوشیدن مشکی وجود دارد، لباس عزای امام حسین علیه السلام را هم شامل می شود؟
ج. پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین علیه السلام مطلوب است.

تعزیه خوانی

- س. نظرتان راجع به تعزیه خوانی چیست؟
ج. تعزیه و شبیه خوانی، اگر مشتمل بر آلات لهو، از قبیل طبل و شیپور و صنج نباشد و اشعار دروغ و غنا نخوانند و مرد، لباس زنان را نپوشد، اشکال ندارد.

آلات موسیقی در عزاداری

- س. استفاده از آلات موسیقی، مثل طبل، صنج، نی، ارگ و مانند آنها در خلال عزاداری چه حکمی دارد؟
ج. جائز نیست.

نماز ظهر عاشورا

- س. در ظهر عاشورا، عزاداران برای شور و اظهار حزن، آماده می شوند و از طرفی وقت نماز ظهر می شود؛ وظیفه مؤمنین چیست؟
ج. در این موارد، باید جمع بین اغراض و کسب فضائل
رسالت عاشورایی، ص: ۶۶
نمود؛ هم برنامه ای را که به صورت عزاداری برای حضرت سید الشهداء علیه السلام انجام می شود، انجام دهید و هم نماز ظهر را در اول وقت بجا آورید.

دسته‌های عزاء و سد معبر

س. راه‌اندازی دسته‌های عزاداری در کوچه و خیابان که باعث ترافیک می‌شود، چه حکمی دارد؟
ج. در حد متعارف ایام عزاداری، اشکال ندارد.

استفاده از عَلم

س. استفاده از عَلم چه حکمی دارد؟
ج. در مراسم عزاداری سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام، استفاده از عَلم که تعظیم شعائر محسوب می‌شود به شرط اینکه مشتمل بر مجسمه ذیروح که حرام است نباشد، اشکال ندارد؛ بلکه مطلوب است.

نخل گردانی

س. در ایام عاشورا ضریح مانندی به نام نخل را به اسم و رسم عزاداری ملبَس به البسه و اقمشه فاخره می‌کنند، با عنایت به فتوای مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی که فرموده‌اند: «عزاداری در ایام عاشورا برحسب متعارف بلاد مختلف است و آنچه در هر بلدی مصداق عزاداری است مانعی ندارد.» نظر حضرت‌عالی در این باره چیست؟
رسالت عاشورایی، ص: ۶۷
ج. آنچه استاد عظیم الشان ما اعلی‌الله‌مقامه در پاسخ سؤال مذکور فرموده‌اند مورد تأیید اینجانب است.

شمع روشن کردن در شام غریبان

س. آیا شمع روشن کردن در شام غریبان سیدالشهداء علیه‌السلام از مصادیق بدعت نمی‌باشد؟
ج. اشکال ندارد.

تصاویر منسوب به ائمه علیهم‌السلام

س. حکم خرید، فروش، چاپ، تولید و یا استفاده از عکس‌ها و پوسترهایی که از چهره‌ی ائمه معصومین علیهم‌السلام تهیه شده است، چگونه است؟
ج. عکس‌ها و پوسترهای مذکور، مستند صحیحی ندارند؛ خوب است از این عمل خودداری شود و مؤمنان بجای آن، احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را با خطی زیبا بنویسند و آن را در منازل خود نصب نمایند.

مصرف هدایا و نذورات در غیر مورد

س. آیا وجوهی را که برای منظوری خاص در عزاداری هدیه شده است می‌توان در موارد دیگری غیر از آن، در عزاداری مصرف نمود، مثل پولی که برای غذا و اطعام داده شده ولی به مصرف خرید لوازم برسد؟
ج. صرف وجوهی که مصرفشان مورد خاص است، در غیر
رسالت عاشورایی، ص: ۶۸
آن مورد، جائز نیست، و موجب ضمان است.

زنجیرهای تیغ‌دار

س. استفاده از زنجیرهایی که دارای تیغ هستند، چه حکمی دارد؟
ج. اگر استفاده از زنجیرهای مزبور، باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست.

خراشیدن صورت

س. برخی در جلسات سینه‌زنی و عزاداری معصومین علیهم‌السلام در حال عزاداری صورت خود را خراش انداخته و به صورتشان خون جاری می‌شود؛ عزاداری به این شکل چه حکمی دارد؟
ج. معلوم نیست که این کارها به عنوان ابراز شدت تألم بر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام و عزاداری برای آن بزرگواران و هن باشد. بلی، اگر موجب ضرر قابل اعتنا شود جائز نیست.
رسالت عاشورایی، ص: ۶۹

اشعار عاشورایی

اشاره

رسالت عاشورایی، ص: ۷۱

سلطان عشق

هلال ماه محرم ز نو هویدا شد بیا که رایت سلطان عشق بر پا شد
بیا که رایت سلطان عشق بر پا شد بیا که آیت فتح و ظفر هویدا شد
در آ به مکتب حرّیت و فداکاری بیا که دین ز قیام حسین احیا شد
شعار باطل و شرک و فساد شد محکوم بیا که جلوه توحید، عالم آرا شد
اگر که حامی حقی و یار قرآنی بیا که پرچم دین و جهاد بر پا شد
به ملک غیرت و جانبازی و اراده و عزم شهید کرب و بلا، قهرمان دنیا شد
به دشت ماریه از همت بلند حسین کتاب همت و ایمان و صبر معنا شد
حسین عدل و شهادت، حسین آزادی فدای دین خدا در هجوم اعدا شد
بزرگ‌تر سند افتخار انسان‌ها به خون پاک حسین شهید امضا شد
مرام‌نامه آزادی و حقوق بشر از آن مجاهده بی‌نظیر انشا شد
در این جهاد مقدّس، حسین شد پیروزی‌د ننگ‌بشر گشت و خوار و رسوا شد
یزید کیست؟ هر آن کس که ضد آزادی است هر آن که دشمن قرآن و آل طه شد
فدای رهبر لب تشنه‌ای که در ره دین غریب و بی‌کس و تنها به‌سوی هیجاشد
دریغ و درد که در کربلا ز ظلم خسان جدا سر از تن پاک عزیز زهرا شد

به زیر سم ستوران فتاد جسم حسین خیام محترم اهل بیت یغما شد
نگشت تابع ظالم که ظلم را کوبید اگر چه رنج و بلایش فزون ز احصا شد
بنال «لطفی صافی» که روز عاشوراز خون پاک شهیدان چو عید اضحی شد
رسالت عاشورایی، ص: ۷۲

انقلاب محرم

محرم است و جهان پر ز انقلاب شده است به شیون و غم و اندوه شیخ و شاب شده است
ز بانگ شور برانگیز القیام و جهاد قلوب اهل ستم اندر اضطراب شده است
ز مکتب کرم و نهضت و عزای حسین الی الابد به سوی خلق، فتح باب شده است
به مُلک عزّت نفس و ثبات و قوّت دین شهید کرب و بلا، مالک الرقاب شده است
برای اهل بیت پیمبر کنار شطّ فرات ز جور فرقه‌ی کفّار، قحط آب شده است
پیمبر است غمین و علی عزادار است به روضه، حضرت زهرا در التهاب شده است
مگر حسین ز میدان دوباره بهر وداع به سوی خیمه گه زینب و رباب شده است
دریغ و درد که از سنگ کینه دشمن ز خون، محاسن نورانش خضاب شده است
مگر که حضرت عباس باز از پی آب

رسالت عاشورایی، ص: ۷۳

برای تشنه لبان پای در رکاب شده است مگر که اصغر بی شیر خسته مظلوم
به ضرب تیر ستم پیشگان به خواب شده است مگر یگانه شبیه نبی، علی اکبر
به عزم یاری دین، باز بر عقاب شده است ز ظلم دشمن دین گر چه روز عاشورا
ز رحم و عدل و شرف، چهره در حجاب شده است ز قتل سبط پیمبر اگر به ظاهر حال
یزید پست فرو مایه کامیاب شده است به رغم آل معاویه و یزید پلید
که کیدشان همه بر باد و در تباب شده است ربوده است دل خلق را، قیام حسین
جهان، مسخر آل ابوتراب شده است نصیب شیعه آل است روضه‌ی رضوان
نصیب ناصبیان، لعنت و عذاب شده است اساس حق و حقیقت همیشه آباد است
بنای ظلم به هر بوم و بر خراب شده است ظهور جوهر ایمان و استقامت شخص
رهین عزم وی و صبر در صعب شده است خموش «لطفی صافی» که در عزای حسین
قلوب اهل ولا از الم کباب شده است

رسالت عاشورایی، ص: ۷۴

خطاب به مردم کوفه

خاکتان بر سر که فرزند پیمبر کشته‌اید نور چشم حضرت زهرا و حیدر کشته‌اید
 شخص ایمان، روح قرآن، سرور آزادگان خامس آل عبا محبوب داور کشته‌اید
 دین و وجدان و شرف، انصاف و رحم و معرفت پاسدار پرچم الله اکبر کشته‌اید
 در دریای ولایت، شمس تابان کمال حامی مستضعف و محروم و مضطر کشته‌اید
 ای گروه بی‌حمیت مردم پیمان‌شکن نور حق کز آن جهان می‌بُد منور کشته‌اید
 از گلستان رسالت بوستان مرتضی‌ارغوان و لادن و نسرين و عبهر کشته‌اید
 مقتدای راد مردان سید خوبان حسین حضرت عباس آن میر غضنفر کشته‌اید
 چون علی اکبر آن زیبا جوان بی‌همال شبه پیغمبر کمالات مصور کشته‌اید
 نوجوان نورس و پیران عالی مرتبت

رسالت عاشورایی، ص: ۷۵

کودک شش ماهه‌ای مانند اصغر کشته‌اید تا ز خود سازید راضی پور هند نابکار
 شافعان عرصه‌ی فردای محشر کشته‌اید قهرمانان فضیلت، یاوران دین حق
 پیش چشم همسران و مام و خواهر کشته‌اید قاریان و زاهدان و صالحان روزگار
 فاتحان جبهه و محراب و منبر کشته‌اید مرگ بادا بر شما، نفرین و نفرت بر شما
 لعن بی‌حد بر شما، ننگ و مذلت بر شما

رسالت عاشورایی، ص: ۷۶

روز عاشورا

باز صبح روز عاشورا رسیدشورش روز قیامت شد پدید
 باز شد بر روی خلق از خاص و عام مکتب ایمان و ایثار و قیام
 مکتب تسلیم و تفویض و رضامکتب صبر و گذشت از ما سوا
 مکتب قرب و عروج و ارتقایینش و آگاهی و فوز لقا
 روز عاشورا بود روز خداروز احرار است و روز اولیا
 روز احمد، روز زهرا و علی است روز فخر هر نبی و هر ولی است
 روز عباس و علی اکبر است روز جانبازان راه داور است
 جلوه‌اش هر دم بود در ازدیادروز حق است و نخواهد شد ز یاد
 نور آن هرگز نخواهد شد خموش منبع شور و قیام است و خروش
 رسالت عاشورایی، ص: ۷۷

پرچم دین ز آن بود در اهتزاز امت اسلام از آن سرفراز

شور و شوق شیعیان از کربلاست نفی استکبارشان از کربلاست
 شیعه یعنی شوق، یعنی انتظار شیعه یعنی ملت امیدوار
 شیعه حزب الله و قوم رستگار آهین عزم و قوی و استوار
 ملت توحید و ایمان متین پیروان رهبران راستین
 حق پرست و حق نهاد و حق مرام مرتضی را از دل و از جان غلام
 دشمن تبعیض و ظلم و قلدری جهل و استضعاف و زور و خودسری
 شیعه، یعنی پیرو راه حسین رهروان غزوه بدر و حنین
 شیر مردان جهاد و اجتهاد پاکبازان ره خیر و سداد
 یار مظلومان و خصم ظالمان هم طراز فرقه‌ی کزوبیان
 رسالت عاشورایی، ص: ۷۸

کشته راه خدا

من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 شافع روز جزایم خامس آل عبا
 من حسین حق پرستم من خدا را عین و دستم
 بر همان عهد الستم تا ابد بر جای هستم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 من حسینم من حسینم افتخار عالمینم
 آفتاب مشرقینم عرش حق را زیب و زینم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 من حسین کربلایم میهمان اشقیایم
 من غریب نینوایم کشته‌ی تیغ جفایم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 نور عین مصطفایم یادگار مرتضایم
 زاده‌ی خیرالنسایم قبله‌ی اهل وفایم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 بحر مواج کمالم مهر تابان جلالم
 سرخوش از جام وصالم یوسف مصر جمالم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 رسالت عاشورایی، ص: ۷۹

در بحر اصطفا‌ییم معدن جود و سخایم
 لنگر ارض و سما‌ییم مرد میدان بلا‌ییم

من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 محو ذات کبریایم غرقه‌ی بحر فنایم
 شاهد بزم لقایم سید اهل ابایم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 سبط خیرالمرسلینم رهبر دنیا و دینم
 دشمن مستکبرینم قهرمان ماء و طینم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 شبل شیر کرد گارم قدرت پرورد گارم
 دین و ایمان را مدارم سومین هشت و چارم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 پای تا سر افتخارم مرکز مجد و وقارم
 عرش حق را گوشوارم دین حق را جان نثارم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 عالم علم کتابم مقتدای شیخ و شایم
 شافع یوم الحسابم هادی راه صوابم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 رونق شرع مبینم خسرو ملک یقینم
 خاتم دین را نگینم فخر و عزّت آفرینم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 رسالت عاشورایی، ص: ۸۰

من صراط مستقیمم محور دین قویمم
 عدل قرآن کریمم من همان ذبح عظیمم
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 داغ یاران و جوانان گر چه سوزاند دل و جان
 لیک اندر راه یزدان من گرفتم جمله آسان
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 دادم اندر راه داور کودک شش ماهه اصغر
 هم علی شبه پیمبرهم ابوالفضل غضنفر
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
 پیکرم گر غرق خون شد زخم تن از حد برون شد
 عزّتم از آن فزون شد دشمنم خوار و زبون شد
 من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم

مکتب سرخ شهادت عزم و ایثار و شهادت
دین و صبر و استقامت زنده کردم تا قیامت
من حسین سرجدایم کشته‌ی راه خدایم
رسالت عاشورایی، ص: ۸۱

مصیبت‌های عاشورایی (از مرحوم حضرت آیت‌الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی رحمه الله)

اشاره

رسالت عاشورایی، ص: ۸۳
اشاره: مرحوم حضرت آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی، والد گرانقدر مرجع عالیقدر که دارای تألیفات متعددی هستند، در اثر ارزشمند خود بنام "نفایس العرفان" در پایان هر فصلی، با توسل به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام آن فصل را به پایان رسانده است. مصیبت‌هایی که در این بخش می‌آید از همین اثر ارزشمند انتخاب شده است. اشعار این بخش نیز، سروده‌ی آن فقیه صمدانی می‌باشد.

مصیبت اول

آن وقتی که هر دو دست مبارک ابی‌الفضل العباس قطع شده بود و تیر کین بر دیده حق‌بینش نشسته و بدن اطهرش مانند خانه زنبور از کثرت زخم سنان و تیر، سوراخ سوراخ گشته و آبی که برای اطفال حمل می‌نمود بر زمین ریخته بود: آیساً من الحیاء و قریباً الی الممأه بود که ملعونی با عمودی از آهن رسید.
چون دید، عباس، دستی ندارد و توانائی دفاع در وجود مبارکش نیست، از خدا و رسول شرم نکرده و بر مظلومی آن جناب ترحم ننمود و چنان عمود را به قوت هر چه تمام‌تر - بر فرق مبارکش زد که مغز سرش بر شانه مبارک ریخت.
چو دشت بلا از غمش تار شد کشید آه و از زین نگون‌سار شد
ور افتاد با سینه چاک چاک بسر باد خاکم ز زین روی خاک
رسالت عاشورایی، ص: ۸۴

نادی: یا اخاه! ادرك اخاك العباس. چون امام حسین علیه السلام ناله برادر را شنید: آهی از جگر کشید و فریاد برآورد: الآن انکسر ظهري و انقطع رجائي و قلت حيلتي و اتي زينب، فنادت: واعباساه!

مصیبت دوم

همه شنیده و می‌دانید که در روز عاشورا، چند تن را سنگباران کردند. یکی قاسم بن الحسن علیهما السلام است که بدن لطیف و نازکش را سنگباران کردند، و هدف تیر و تیغ و سنگ ساختند، و بر بی‌کسی و غریبی و کوچکی و تشنگی و یتیمی او ترحم نمودند.

آه آه. وا اسفاه! در بحار است که حمید بن مسلم گوید: جوانی را دیدم چون یک‌پاره ماه که یک بند نعلین او گسیخته و لشکر از هر طرف چون گرگان با او در آویخته و به هر طرفی که حمله می‌کرد، لشکر چو گوسفند از نهیب شیر شجاعان، فراری می‌شدند.

عمر ابن سعد ازدی گفت: بر من گناه این مردم که اگر فرصتی یابم او را نکشم. پس فرصتی به دست آورد و از عقب قاسم باحث، و چنان شمشیری بر فرق مبارکش نواخت که تا پیشانی شکافت. لشکر، اطرافش را گرفتند و بدن از گل نازک ترش را معرض تیر و تیغ و سنگ ساختند. چون قاسم از اسب در غلطید فریاد کرد: یا عمّاه! ادر کنی.

امام حسین علیه السلام چون شیر غضب به جانب او روان شد. وقتی رسید که آن ملعون می‌خواست سر قاسم را جدا کند. شمشیری حواله او نمود، دست آن ملعون قطع شد. از لشکر استمداد نمود، قوم او اطراف امام حسین علیه السلام را گرفتند. در این رسالت عاشورایی، ص: ۸۵

زد و خورد و جنگ، بدن قاسم در زیر سم اسبان با خاک و خون یکسان گشت. وقتی لشکر از حملات فرزند حیدر صفدر متفرق شدند، امام حسین به بالین قاسم آمد که هنوز کمی جان در تن او باقی بود و پاهای خود را بر زمین می‌سائید؛ فبکی الحسین علیه السلام و قال: والله یعزّ علی عمّک ان تدعوه فلا یجیبک او یجیبک فلا یعینک أو یعینک فلا یغنی عنک.

مصیبت سوم

صدیقه صغری فرمود:

لِیت السَّمَاءُ تُطِیْقَتْ عَلَی الْأَرْضِ وَلِیت الْجِبَالُ تَدْکُکْتَ عَلَی السَّهْلِ

این، وقتی بود که امام حسین علیه السلام از اسب به روی خاک در افتاد و تن مبارکش در خاک و خون آغشته بود. عبدالله بن الحسن علیه السلام که نگران بود و عمّ اکرم خود در آن حال می‌دید، بی تابانه و مُیده‌شانه به جانب آن جناب دوید. امام حسین علیه السلام فرمود: یا اختاه! أحبسیه؛ ای خواهر! عبدالله را نگاه دار که در این بیابان بلا انگیز نیاید و خود را هدف تیر و تیغ نسازد. زینب او را گرفت و هر چند در منع او شدت کرد، به جایی نرسید.

فقال عبدالله: لا والله! لا أفارق عمّی. قوت کرد و خود را از چنگ زینب رها ساخت و دوان دوان خود را به امام حسین علیه السلام رسانید.

در این وقت ابن کعب علیه‌اللعنه خواست تیغ خود را بر امام حسین علیه السلام فرود آورد. فقال له:

ویلک یابن الخبیثه! أتقتل عمّی؛

عبدالله گفت: ای پسر زانیه! آیا می‌خواهی عمّ مرا بکشی.

رسالت عاشورایی، ص: ۸۶

دست کوچک خود را وقایه و سپر عمّ بزرگوار نمود. شمشیر آن ملعون، دست مبارکش را قطع نمود، چنان که با پوست آویخته گشت. پس فریاد برداشت که یا امّاه! امام حسین او را گرفت و بر سینه خود چسباند، و قال: یا ابن اخی! اصبر علی ما نزل بک و احتسب فی ذلک الخیر فان الله یلحقک بآبائک الصالحین.

در همین وقت، حرمه ملعون هم چنانی که عبدالله در کنار امام حسین علیه السلام بود- خدنگی به سوی او روانه کرد و آن تیر بر مقتل عبدالله آمده و در گذشت.

پس آن سان ظالمی تیری رها کرد که اندر مقتل شه‌زاده جا کرد

ندانم شاه را چون گشت احوال که اینجا، عقل مات و نطق شد لال

چرا صافی نشد زین درد و ماتم بسط خاک، جای چرخ اعظم؟

مصیبت چهارم

وقتی که امام حسین علیه السلام، پسر ناکام خود را دید که با بدن پاره پاره و فرق شکافته و لب‌های خشکیده در میان خاک و خون افتاده و مشغول جان دادن است، بی‌اختیار چنان صیحه بر کشید و فریادی برآورد که دوست و دشمن به حال او گریستند. پس خود را از اسب در انداخت و وضع خدّه علی خدّه؛ از شدت بی‌تابی، روی مبارک بر عارض چون ماه علی گذاشت و شمس و قمر را به هم تلاقی داد. راوی می‌گوید: طولی نکشید که امام حسین روی خود را برداشت و خون فرق علی بر روی مبارکش جاری بود؛

یقین شد صافی آن‌سان حالت شاه که اشکش شد بماه‌ی آه بر ماه

رسالت عاشورایی، ص: ۸۷

مصیبت پنجم

امام حسین علیه السلام تا آن دم آخر، صابر و راضی به قضای الهی بود و منسوب به آن جناب است که به درگاه الهی عرض می‌کرد:

ترکت الناس طراً فی هواکاو ایتیم العیال لکی اراکا؛

رها کردم مردم را در هوای تو و دوستی تو ای خدای من، و اطفال خود را یتیم و کسانم و عیالم را در به در کردم برای دیدن رضا و رسیدن به وصل تو.

و لو قطعنی فی الحب اربالما حن الفؤاد الی هواکا؛

و اگر قطعه قطعه کنی مرا و ریز ریز سازی، هرگز دل من بسوی غیر تو نرود و درد دل خود را بجای دیگر نگویم. و شاید این کلمات را در وقتی فرموده باشد که از روی زین به ضرب نیزه صالح ابن وهب بر زمین افتاد.

جگر تفتیده با چشمان نمناک افتاد آن هیکل توحید بر خاک

گهر ریزان ز دیده لعل می‌سُفت به شکر وصل در آن حال می‌گفت

ترکت الناس طراً فی هواکاو ایتیم العیال لکی اراکا

مصیبت ششم

آن وقتی که بدن مبارک علی بن الحسین علیهما السلام از کثرت زخم و سیلان خون، سستی گرفته بود. ملعونی فرصتی بدست آورد. شمشیری بر فرق همایونش فرود آورد که به آن ضربت، زخمی گران یافت و سایر لشکر جرئ شدند؛ از چهار طرف او را هدف و نشانه‌ی تیر و شمشیر ساختند، چنان که یک‌باره توانائی از علی برفت. ناچار دست در گردن اسب درآورد و فرو

رسالت عاشورایی، ص: ۸۸

خفت، عنان اسب را رها کرد، اسب از این سوی و آن سوی می‌تاخت و به هر سواری که می‌رسید، زخمی بر بدن مبارکش می‌زدند. فقطعه بسیوفهم ارباً ارباً؛ بدن مطهرش را با شمشیر، قطعه قطعه و پاره پاره کردند. پس از اسب افتاد؛ فنادی:

یا ابتاه! هذا جدی رسول الله قد سقانی بکأسه الأوفی.

چون امام حسین بانگ فرزند ناکام را شنید، صیحه از پرده‌ی جگر بر کشید و فرمود: قتل الله قوماً قتلوک؛

گفت: ای جان پدر روحی فداک باد بر دنیا پس از مرگ تو خاک

مصیبت هفتم

امام حسین علیه‌السلام با آن همه مصیبات و شدائد و نوائب و دواهی که اگر بر کوه‌ها وارد شدی طاقت نمی‌آوردند و اجزاء وجودشان از یکدیگر متلاشی و متفرق می‌شد-، صابر و راضی به قضاء الهی بود و مکرر در مکرر به خدای خود در حالی که لبش تشنه و شکمش گرسنه و زخمش بی‌شمار و دشمنان وجود مبارکش را احاطه کرده و زخم از پس زخم بر بدن مبارکش می‌زدند- عرض می‌کرد: صبراً علی بلائک و رضا بقضائک؛ و نیز با زبان خشکیده و جگر سوخته، گاه گاهی طلب آب می‌نمود و می‌فرمود: واعطشاه! و اقله ناصراه! یا قوم! اسقونی شربه من الماء قبل طلوع روحی من جسدی؛ ای مردم بی‌مروت! ای خلق بی‌حمیت! یک شربت آب به من دهید پیش از آن که روح از بدنم مفارقت نماید؛ به سبط پیمبر خدا را ثوابی گذارید منت به یک جرعه آبی شد از تیغ و خنجر دلم پاره‌پاره شده زخم‌هایم فزون از ستاره رسالت عاشورایی، ص: ۸۹

شما را گر از قتل من نیست چاره‌دهید آب، رحمی به حال خرابی
 بده مهلت ای شمر تا مادر آیدرها کن مگر باب من بر سر آید
 ز خیمه به بالین من خواهر آیدمکن بی‌مروت به قلم شتابی

مصیبت هشتم

منسوب به آن جناب است که به درگاه الهی عرض می‌کرد:

ترکت الناس طراً فی هواکاو ایتیم العیال لکی اراکا
 و لو قطعتنی فی الحب اربالما حنّ الفؤاد الی سواکا

نمودم ترک مردم را جمیعاً در هوای تویتم و در به در کردم عیال خود برای تو
 نمائی پاره‌پاره گر مرا اندر ره عشقت دلم هرگز نخواهد رفت سوی ما سوای تو

آه آه! نمی‌دانم در چه وقت این کلمات را می‌فرمود؛ آیا آن زمانی که تیر سه شعبه در قلب مبارکش نشست و خون مانند ناودان از آن جریان داشت و دست مبارک به زیر خون می‌داشت و بر سر و روی مبارک می‌مالید و می‌فرمود: هکذا اکون حتی القی جدی رسول الله و اقول قتلنی فلان و فلان؟؛ یا آن زمانی که صالح ابن وهب علیه اللعنه چنان نیزه بر پهلوی مبارکش زد که از اسب در غلطید و آسمان وجودش بر بسیط زمین قرار گرفت؛
 چو پهلوی شد ز جنب الله پاره‌ز عین الله بر مه شد ستاره
 شد اندر ذات حق چون باب ممسوس فتاد از صدر زین با آه و افسوس
 رسالت عاشورایی، ص: ۹۰

مصیبت نهم

اگر در صحرای کربلا، هیچ زخمی به بدن مطهر امام حسین علیه‌السلام نمی‌رسید و سر مبارکش را از بدن اطهرش جدا نمی‌کردند،

فقط آن تیری که بر

قلب مبارکش آمد، در شهادت آن جناب کافی بود؛ آن وقتی که بوالحتوف ملعون تیری از کمان رها کرد و بر پیشانی مبارکش نشست و به روایتی، سنگی چنان بر پیشانی مبارکش زد که درهم شکست؛

ز کف، سنگین دلی، سنگی رها کرد به پیشانی وجه الله جا کرد

چو پیشانی وجه الله بشکست به عین الله، خون، راه نظر بست

پر از خون گشت روی شاه اطهر چو در روز اُحد روی پیمبر

خون بر روی و موی مبارکش جاری شد. برای آن که خون از چهره‌ی پاک خود پاک نماید، دامن زره به یک سو کرد و پیراهن خود را بر کشید، قلب مبارکش چون آفتاب درخشان ظاهر گشت؛ فَأَتَاهُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ لَهُ ثَلَاثَةُ شُعَبٍ؛

چو دامان کرد بالا، شد نمایان دل پر نور، یعنی عرش رحمن

یکی تیری سه پر از شصت بدخواه رها گشت و نشست اندر دل شاه

چو آن تیر از قفایش سر به در کرد دل پاک پیمبر را خبر کرد

ندانم رفت چون بر شاه مظلوم دل نازک کجا و تیر مسموم

چرا صافی نشد زین درد و ماتم بسط خاک، جای چرخ اعظم

مصیبت دهم

یکی از مصائب بزرگ امام حسین علیه السلام، وداع آخرین او با اهل بیت

رسالت عاشورایی ؛ ص ۹۱

رسالت عاشورایی، ص: ۹۱

طاهره است. درست تصور فرما که حالت آن حضرت و اهل بیت او در آن حال چگونه و چه بوده، در صورتی که می دانستند دیگر آن حضرت را نخواهند دید مگر با سر بریده و تن در خاک و خون آغشته؛ نه یاری، نه مددکاری، همه غریب و بی کس و بی یار و یک بیابان دشمن قسی القلب بی رحم.

قالت سکیئة: یا ابتاه! استسلمت للموت

؛ سکیئه عرض کرد: ای پدر بزرگوار! آیا تن به مرگ در داده‌ای؟

فرمود:

کیف لا يستسلم للموت من لا ناصر له ولا معین؛

چگونه تن به مرگ در ندهد کسی که یار و یآوری ندارد؟

سکیئه بر سر زد و بنای ناله و نوحه را گذاشت.

امام حسین علیه السلام فرمود:

لا تحرقی قلبی بدمعک حسرۃ مادام منی الروح فی جثمانی، فاذا قتلت فانّی اولى بالذی تأتینه یا خیرۃ النسوان؛

سکیئه جانم، ای جانان بابامسوزان ز اشک خونین جان بابا

مریز از دیدگان بر ماه، گوهر توئی بر آسمان حلم، اختر

شوم چون کشته من بر دست کفارتوئی اولی به گریه بر من زار

چو بینی پیکرم را پاره پاره بریز از دیدگان بر مه ستاره
 چو دیدی سرنگون گردیدم از زین بریز از چشم حق بین، اشک خونین
 تو ای صافی مگو دیگر از این غم که شد گیتی سراسر درد و ماتم
 رسالت عاشورایی، ص: ۹۲

لیست آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله العالی

نام کتاب----- زبان----- ترجمه

قرآن و تفسیر

۱- تفسیر آیه فطرت----- فارسی-----

۲- القرآن مصون عن التحریف----- عربی-----

۳- تفسیر آیه التطهیر----- عربی-----

۴- تفسیر آیه الانذار----- عربی-----

حدیث

۵- منتخب الاثر در ۳ جلد----- عربی- اردو/ انگلیسی-----

-- غیبه المنتظر----- عربی-----

۶- قیس من مناقب امیرالمؤمنین (ع) (مئة و عشر حدیث من کتب عامه)----- عربی----- فارسی

۷- احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها----- عربی-----

۸- احادیث الفضائل----- عربی-----

----- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین (ع)----- فارسی

فقه

۹- توضیح المسائل----- فارسی-----

- منتخب الاحکام----- فارسی-----

۱۰- احکام نوجوانان----- فارسی----- انگلیسی

۱۱- جامع الاحکام در ۲ جلد----- فارسی-----

۱۲- استفتائات قضایی----- فارسی-----

۱۳- استفتائات پزشکی----- فارسی-----

۱۴- مناسک حج----- فارسی----- عربی

۱۵- مناسک عمره مفرده----- فارسی----- عربی

۱۶- هزار سؤال پیرامون حج----- فارسی-----

۱۷- پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد----- فارسی----- آذری

رسالت عاشورایی، ص: ۹۳

- ۱۸- احکام خمس ----- فارسی -----
- ۱۹- اعتبار قصد قربت در وقف ----- فارسی -----
- ۲۰- رساله در احکام ثانویه ----- فارسی -----
- ۲۱- فقه الحج در ۴ جلد ----- عربی -----
- ۲۲- هدایه العباد در ۲ جلد ----- عربی -----
- ۲۳- هدایه السائل ----- عربی -----
- ۲۴- حواشی علی العروة الوثقی ----- عربی -----
- ۲۵- القول الفاخر فی صلاة المسافرين ----- عربی -----
- ۲۶- فقه الخمس ----- عربی -----
- ۲۷- أوقات الصلوة ----- عربی -----
- ۲۸- التعزیر (احکامه و ملحقاته) ----- عربی -----
- ۲۹- ضروره وجود الحکومه ----- عربی ----- فارسی
- ۳۰- رساله فی معاملات المستحدثه ----- عربی -----
- ۳۱- التداعی فی مال من دون بینة و لاید ----- عربی -----
- ۳۲- رساله فی المال المعین المشتبه ملکیته ----- عربی -----
- ۳۳- حکم نکول المدعی علیه عن الیمین ----- عربی -----
- ۳۴- ارث الزوجه ----- عربی -----
- ۳۵- مع الشیخ جاد الحق فی ارث العصبه ----- عربی -----
- ۳۶- حول دیات ظریف ابن ناصح ----- عربی -----
- ۳۷- بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعیه الاستخاره) ----- عربی -----
- الرسائل الخمس ----- عربی -----
- ۳۸- الشعائر الحسینیة ----- عربی -----
- آنچه هر مسلمان باید بداند ----- آذری
- اصول فقه
- ۳۹- بیان الاصول در ۳ جلد ----- عربی -----
- ۴۰- رساله فی الشهرة ----- عربی -----
- رسالت عاشورایی، ص: ۹۴
- ۴۱- رساله فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبهه الحکمیة ----- عربی -----
- ۴۲- رساله فی الشروط ----- عربی -----
- عقاید و کلام
- ۴۳- عرض دین ----- فارسی -----
- ۴۴- به سوی آفریدگار ----- فارسی -----
- ۴۵- الهیات در نهج البلاغه ----- فارسی -----

- ۴۶- معارف دین در ۲ جلد----- فارسی-----
- ۴۷- پیرامون روز تاریخی غدیر----- فارسی-----
- ۴۸- ندای اسلام از اروپا----- فارسی-----
- ۴۹- نگرشی بر فلسفه و عرفان----- فارسی-----
- ۵۰- نیایش در عرفات----- فارسی-----
- ۵۱- سفرنامه حج----- فارسی-----
- ۵۲- شهید آگاه----- فارسی-----
- ۵۳- نوید امن و امان----- فارسی----- آذری
- ۵۴- پاسخ به ده پرسش----- فارسی-----
- ۵۵- اصالت مهدویت----- فارسی-----
- ۵۶- تجلی توحید در نظام امامت----- فارسی----- عربی
- ۵۷- نظام امامت و رهبری----- فارسی-----
- ۵۸- ولایت تکوینی و ولایت تشریعی----- فارسی-----
- ۵۹- پیرامون معرفت امام----- فارسی-----
- ۶۰- عقیده نجات بخش----- فارسی-----
- ۶۱- به سوی دولت کریمه----- فارسی-----
- ۶۲- باورداشت مهدویت----- فارسی----- عربی
- ۶۳- انتظار، عامل مقاومت و حرکت----- فارسی-----
- ۶۴- فروغ ولایت در دعای ندبه----- فارسی----- عربی
- ۶۵- معرفت حجت خدا----- فارسی-----
- ۶۶- وابستگی جهان به امام زمان----- فارسی-----
- ۶۷- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه----- فارسی----- انگلیسی
- ۶۸- پیام‌های مهدوی----- فارسی-----
- ۶۹- گفتمان مهدویت----- فارسی----- انگلیسی
- رسالت عاشورایی، ص: ۹۵

- امامت و مهدویت----- فارسی-----
- ۷۰- گفتمان عاشورایی----- فارسی-----
- ۷۱- مقالات کلامی----- فارسی-----
- ۷۲- الی هدی کتاب الله----- عربی-----
- ۷۳- ایران تسمع فتجیب----- عربی-----
- ۷۴- رساله حول عصمة الانبياء و الائمة----- عربی-----
- ۷۵- تعليقات على رسالة الجبر و القدر----- عربی-----
- لمحات فی الكتاب والحديث والمذهب----- عربی-----

- ۷۶- صوت الحق و دعوة الصدق ----- عربی -----
- ۷۷- رد اکذوبه خطبه الامام علی (ع)، علی الزهرا (س) ----- عربی -----
- ۷۸- مع الخطيب في خطوطه العريضة ----- عربی ----- اردو/ فرانسه
- ۷۹- رساله في البداء ----- عربی -----
- ۸۰- جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثنى عشر ----- عربی -----
- ۸۱- حديث افتراق المسلمين على ثلاث و سبعين فرقة ----- عربی -----
- ۸۲- من لهذا العالم؟ ----- عربی -----
- ۸۳- بين العلمين، الشيخ الصدوق الشيخ المفيد ----- عربی -----
- ۸۴- مقدمات مفصلة على «مقتضب الاثر» و «مكيال المكارم» و «منتقى الجمان» ----- عربی -----
- ۸۵- امان الائمة من الضلال والاختلاف ----- عربی -----
- ۸۶- البكاء على الامام الحسين (ع) ----- عربی -----
- ۸۷- النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة ----- عربی -----
- تربیتی
- ۸۸- ماه مبارك رمضان، عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق ----- فارسی -----
- رسالت عاشورایی، ص: ۹۶
- ۸۹- راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر) ----- فارسی -----
- ۹۰- با جوانان ----- فارسی -----
- تاریخ
- ۹۱- سیرحوزه های علمی شیعه ----- فارسی -----
- ۹۲- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی) ----- فارسی -----
- سیره
- ۹۳- پرتوی از عظمت امام حسین (ع) ----- فارسی -----
- آینه ی جمال ----- فارسی -----
- از نگاه آفتاب ----- فارسی -----
- اشک و عبرت ----- فارسی -----
- تراجم
- ۹۴- زندگانی آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی ----- فارسی -----
- ۹۵- زندگانی جابر بن حیان ----- فارسی -----
- ۹۶- زندگانی بوداسف ----- فارسی -----
- شعر
- ۹۷- دیوان اشعار ----- فارسی -----
- ۹۸- بزم حضور ----- فارسی -----
- ۹۹- آفتاب مشرقین ----- فارسی -----

- ۱۰۰- صحیفه المؤمن ----- فارسی -----
- ۱۰۱- سبط المصطفی ----- فارسی -----
- ۱۰۲- در آرزوی وصال ----- فارسی -----
- مقاله‌ها و خطابه‌ها
- ۱۰۳- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها) ----- فارسی -----
- ۱۰۴- شب پرگان و آفتاب ----- فارسی -----
- شب عاشورا ----- فارسی -----
- صبح عاشورا ----- فارسی -----
- ۱۰۵- با عاشورایان ----- فارسی -----

[۱] (۱) ۱. پیام بمناسبت حلول محرم الحرام ۱۴۲۳ هـ. ق.

[۲] (۲). احزاب؛ ۳۵.

[۳] (۱). پیام بمناسبت حلول محرم الحرام ۱۴۲۰ هـ. ق.

[۴] (۱). کافی؛ ج ۱.

[۵] (۱). سمو المعنی؛ ص ۱۴۸؛ به نقل از تاریخ دمشق؛ ج ۴، ص ۳۲۳.

[۶] (۱). سمو المعنی؛ ص ۹۷.

[۷] (۲). همان؛ ص ۱۴۸.

[۸] (۱). کافی؛ ج ۲.

[۹] (۱). اسدالغابه؛ ج ۲، ص ۲۰- استیعاب؛ ج ۱، ص ۳۷۸.

[۱۰] (۲). ابوالشهداء؛ ص ۷۳.

[۱۱] (۳). اسعاف الراغبین؛ ص ۱۸۳.

[۱۲] (۱). سمو المعنی؛ ص ۱۵۱ و ۱۵۲.

[۱۳] (۱). نظم درر السمطین؛ ص ۲۰۹.

[۱۴] (۲). سمو المعنی؛ ص ۱۵۲.

[۱۵] (۱). نساء؛ ۸۶.

[۱۶] (۲). سمو المعنی؛ ص ۱۵۹- ابوالشهداء؛ ص ۷۲.

[۱۷] (۱). نهج البلاغه؛ ج ۴۸.

[۱۸] (۲). بحارالانوار؛ ج ۱۷، ص ۴۷.

[۱۹] (۳). کافی؛ ج ۲.

[۲۰] (۱). در بعضی از خصوصیات این داستان مانند بعضی اعلام اختلافاتی بین مصادر آن دیده می‌شود. آنچه که ما اجمال آن را

نقل کردیم موافق است با نقل شبرای در «الاتحاف»، وابن قتیبه در «الامامة والسياسة».

- [۲۱] (۱) کافی؛ ج ۲.
- [۲۲] (۱) تاریخ طبری؛ ج ۲، ص ۳۲۵ و ۳۲۶.
- [۲۳] (۲) نهج البلاغه؛ ج ۳.
- [۲۴] (۱) سمو المعنی؛ ص ۱۱۹ نقل به معنا.
- [۲۵] (۲) سمو المعنی؛ ص ۱۰۲.
- [۲۶] (۳) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ ج ۱، ص ۲۱۴.
- [۲۷] (۴) نهج البلاغه؛ خطبه ۵.
- [۲۸] (۵) بحار الانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۸۱.
- [۲۹] (۶) مناقب؛ ج ۴، ص ۶۹.
- [۳۰] (۱) کافی؛ ج ۲.
- [۳۱] (۱) مناقب؛ ج ۲، ص ۲۲۲.
- [۳۲] (۱) ۲۴. الاتحاف؛ ص ۱۷ و ۲۰.
- [۳۳] (۲) ۲۵. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ ج ۳، ص ۴۸۲.
- [۳۴] (۱) سمو المعنی؛ ص ۱۱۵.
- [۳۵] (۱) نفس المهموم؛ ص ۲۲۵.
- [۳۶] (۱) سمو المعنی؛ ص ۱۱۷.
- [۳۷] (۲) سمو المعنی؛ ص ۱۱۸.
- [۳۸] (۱) کافی؛ ج ۲.
- [۳۹] (۲) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ ج ۱، ص ۱۰۷.
- [۴۰] (۳) همان؛ ص ۱۰۵.
- [۴۱] (۴) بحار الانوار؛ ج ۹۸، ص ۲۴۰.
- [۴۲] (۱) بقره؛ ۱۷۷.
- [۴۳] (۲) همان؛ ۲۴۹.
- [۴۴] (۱) قمقام زخار؛ ص ۴۶۸ ابوالشهداء؛ ص ۱۸۸- مروج الذهب؛ ج ۳، ص ۱۱.
- [۴۵] (۱) بحار الانوار؛ ج ۴۵، ص ۵۴.
- [۴۶] (۱) بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۱۵۱.
- [۴۷] (۲) سمو المعنی؛ ص ۱۶۱.
- [۴۸] (۱) قمقام زخار؛ ص ۳۵۰.
- [۴۹] (۱) ابوالشهداء؛ ص ۱۷۲- قمقام زخار؛ ص ۳۹۰.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹